

سؤال امتحانی در اسفند ۹۲ - ۱ - «توثیق خاص» و «توثیق عام» را در ضمن مثال تعریف کنید.

توثیق بر دو قسم است : ۱- توثیق خاص : ۲- توثیق عام .
توثیق خاص به توثیقی گفته می شود که به شخص معین بر گردد . مثال : اگر یکی از معصومین (علیه السلام) بر وثاقت راوی تأکید کند ، در این صورت قطعاً وثاقتش ثابت می شود . مانند آنچه که امام رضا (علیه السلام) در وثاقت زکریا بن آدم قمی فرمود و او را امین دین و دنیای مردم نامید .
توثیق عام آن است که به تعدادی از اشخاص که تحت یک ضابطه و قانون هستند بر می گردد . اصحاب اجماعی که کثی آن را ذکر کرده است از توثیق عام است و همچنین سخنی که بین اصحاب مشهور است که سه نفر از روایت جلیل القدر عصر امام رضا علیه السلام به نامهای «محمد بن ابی عمیر» و «صفوان بن یحیی» و «احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی» در نقل روایات و مراسیل خود ، جز از ثقه نقل نمی کنند .

سؤال امتحانی در مرداد ۹۲ - ۲ - ما ذکره الکثی حول جماعة اشهرت بأصحاب الإجماع من قبیل إلى صحة أخبارهم و وثاقتهم مشایخهم.

- ب. التوثیق العام و لا تهدف
- د. التوثیق العام و تهدف
- أ. التوثیق الخاص و لا تهدف
- ج. التوثیق الخاص و تهدف

سؤال امتحانی در شهریور ۹۲ - ۳ - فرقی «توثیق خاص» با «توثیق عام» چیست؟

در توثیق خاص ، توثیق فقط به شخص معین بر می گردد ولی در توثیق عام ، توثیق به تعدادی از اشخاصی که تحت یک ضابطه و قانون هستند بر می گردد .

۴- اصحاب اجماعی که کسی آن را ذکر کرده است از توثیق عام است یا خاص ؟

اصحاب اجماعی که کسی آن را ذکر کرده است از توثیق عام است .

۵- عبارت کثی در بحث توثیق بر چه چیز دلالت دارد ؟

عبارت کثی فقط بر وثاقت اصحاب اجماع دلالت می کند ، نه بر صحت اخبار آنان و همچنین نه بر وثاقت مشایخ آنان

سؤال امتحانی در خرداد ۸۲ و آبان ۹۲ - ۶ - در بحث مشایخ الثقات از وثاقت چه کسانی بحث می شود و مستند ادعای وثاقت چیست ؟

یکی از توثیقات عمومی که بین علمای شیعه امامیه شهرت یافته ، این است که محمد بن ابی عمیر ، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی جز از موثق روایت نمی کنند .
مستند ادعای وثاقت همان قاعده «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقه» است که ظاهراً اولین کسی که این قاعده را مطرح نموده ، مرحوم شیخ طوسی (ره) است و هیچ یک از معاصران شیخ و نیز متأخران وی تا قرن هفتم به جز نجاشی این قاعده را نقل نکرده اند .

سؤال امتحانی در خرداد ۹۴ - ۷ - کدام گزینه مشمول «لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقه» نمی باشد؟

- أ. محمد بن ابی عمیر
- ب. صفوان بن یحیی
- ج. علی بن ابی حمزه بطائی
- د. احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی

سؤال امتحانی در خرداد ۸۰ و ۸۱ و ۸۶ - ۸ - مراد از «مشایخ الثقات» چه کسانی هستند ؟

بین اصحاب مشهور است که سه نفر از روایت جلیل القدر عصر امام رضا علیه السلام به نامهای «محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی» در نقل روایات و مراسیل خود ، جز از ثقه نقل نمی کنند . بنابراین

محمد بن ابی عمیر صفوان بن یحیی احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی

قابل توجه طلاب عزیز : در این جزوه از ۲۷ نوبت نمونه سؤالات امتحانی استفاده شده است ، اما به علت بر حجم شدن جزوه فقط چند نمونه از سؤالات را در این اشافه کردیم . و در متن جزوه ، سال امتحانی تمامی ۲۷ نوبت را در اول سؤال مشخص نمودیم . امید است که رضایت خاطر شما را جلب کرده باشیم .

محمد بن ابی عمیر - صفوان بن یحیی - احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی
لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقه

این به صحت همه مسانید و مراسیل آنها حکم می شود و این سه نفر بعدها به مشایخ مورد وثوق معروف شدند که به آنها مشایخ الثقات می گویند.

(سؤال امتحانی در خرداد ۹۳)

۹- مشایخ الثقات الذین لا یرسلون إلیا عن الثقة هم.....

ا. علی بن الحسن بن فضال، صفوان بن یحیی، الحسن بن علی الطاطری □

ب. محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی ■

ج. محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، جعفر بن یسیر البجلی □

د. محمد بن مسلم التقی، زرارة بن أعین، حماد بن عثمان □

سید بن طاووس در کتاب فلاح السائل بعد از نقل حدیثی از امالی صدوق که سندش به ابن ابی عمیر منتهی می شود، که او از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده است، نقل کرده که امام فرمود: « ما اخب الله من عصاة » می فرماید: « راویان این حدیث به اتفاق تقه هستند، و مراسیل محمد ابن ابی عمیر نزد شیعه مثل مسانید او است. »

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۶)

۱۰- نظریه دو تن از فقهاء را بیراعون « مشایخ الثقات » بنویسید.

۱- سید علی بن طاووس در کتاب فلاح السائل بعد از نقل حدیثی از امالی صدوق که سندش به ابن ابی عمیر منتهی می شود، که او از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده است، نقل کرده که امام فرمود: « ما اخب الله من عصاة » می فرماید: « راویان این حدیث به اتفاق تقه هستند، و مراسیل محمد ابن ابی عمیر نزد شیعه مثل مسانید او است. »
 ۲- محقق در کتاب معتبر در بحث کرمی نویسد: « روایت محمد بن ابی عمیر از بعضی از اصحاب از امام صادق علیه السلام که امام فرمود: « کر هزار و دویست پیمانه است. » اصحاب ما به این روایت عمل کرده اند. و این روایت به دلیل مرسل بودن مورد طعن و عیب قرار نمی گیرد، زیرا اصحاب به روایات مرسل ابن ابی عمیر عمل می کند. »

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۰ و ۸۱)

۱۱- چه نمره ی رجالی و اصولی بر توثیق عام مشایخ الثقات مترتب است؟

دو نمره بر قاعده توثیق عام مشایخ الثقات مترتب است:

۱- هر کسی که، مشایخ الثقات از او روایت کنند موثق خواهد بود هر چند کوچکترین مدحی درباره او وجود نداشته باشد و نظر به اینکه حدود سیصد و شصت و یک نفر طبق شمارش مؤلف کتاب، مشایخ الثقات وجود دارند که مشایخ ثقات از آنها روایت نقل کرده است.

۲- مراسیل مشایخ الثقات مانند مسانید شان معتبر هست هر چند واسطه بین هر یک از این سه نفر و امام علیه السلام مجهوله یا مهمله یا محذوفه باشد.

(سؤال امتحانی در شهریور ۹۰)

۱۲- نتیجه اصولی و رجالی کلام شیخ طوسی درباره مشایخ الثقات (لا یرسلون) و لا یرسلون إلیا عن ثقة) را بنویسید. *او مرتب در مشایخ الثقات روایت کند و قول صدوق در خصوص رجالی و لا یرسلون إلیا عن ثقة) را بنویسید. جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است. کتب اصولی در سند روایت را بنویسید. ۲- مراسیل مشایخ الثقات مانند مسانید آنها معتبر است. هر چند در بین این سه نفر و امام صادق علیه السلام مجهوله یا مهمله یا محذوفه باشد.*

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۲ و ۹۳)

۱۳- عبارت « لا یرسلون إلیا عن ثقة » درباره چه کسانی است و در صورت اثبات این قضیه، چه نتایجی بر آن مترتب می شود؟

محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی - جواب قسمت دوم این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است.

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۱ و ۸۴ و ۹۴ و شهریور ۸۵ و ۹۱)

۱۴- اصل و مدرک قاعده « مشایخ الثقات » چیست؟ توضیح دهید.

اصل و مدرک قاعده « مشایخ الثقات »، قول شیخ طوسی در کتاب « عده » است که فرمودند: اگر دو راوی یکی مسند و دیگری مرسل و یا دو روایت متعارض وجود داشته باشند، به صرف مرسل بودن او، روایتش را طرح نمی کنیم، بلکه به این شخص مرسل نظر می کنیم، اگر از کسانی است که علم داریم فقط از تقه نقل می کند، وجهی ندارد که خبر شخص مسند را بر خبر او ترجیح می دهیم. به همین خاطر طائفه ای از علمای شیعه، فرقی بین مراسیل محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر با مسانید دیگران نمی گذارند. ولی اگر، هم از تقه و هم از غیر تقه

نقل کند، خبر دیگری یعنی خبر شخص مسند که روایتش مستند است، ترجیح دارد و اگر مرسل کسی بود که در میان مراسیلش فقط در یک روایت از غیر ثقه نقل کرده، توقف در خبرش واجب است تا زمانی که دلیلی بر وجوب عمل به خبرش قائم بشود.

سؤال امتحانی در جزوه ۸۶

۱۵- به نظر مشهور، مفاد قاعدة «إن مشایخنا الثقات الثلاثة لا یروون ولا یرسلون الا عن ثقة» چیست؟

سخنی که بین اصحاب مشهور شده است که محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی جز از ثقه روایت و ارسال نمی کنند، که دو نتیجه بر آن مترتب است:

- ۱- هر کس که این گروه از او روایت نقل کند، محکوم به وثاقت است، این مطلب یک نتیجه رجالی است که بر این قاعده مترتب می شود.
- ۲- روایات مرسل آنها همانند مسانید آنها مورد قبول است، حتی اگر واسطه، فرد مجهول یا مهمل یا حذف شده باشد و این یک نتیجه اصولی است که بر این قاعده مترتب است و با نتیجه اول فرق دارد.

سؤال امتحانی در جزوه ۸۵

۱۶- بر این کلام شیخ طوسی «إن ابن ابی عمیر و صفوان و البزنطی لا یروون ولا یرسلون الا عن ثقة» چه ثمراتی مترتب می شود؟

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شد. در صورتی که این روایت مرسل است، مسانید آن ها هم مورد قبول است. *Handwritten note: در صورتی که این روایت مرسل است، مسانید آن ها هم مورد قبول است.*

سؤال امتحانی در جزوه ۹۱

۱۷- درباره «مشایخ الثقات» چه قاعده ای شهرت یافته است؟ و چه نتایجی بر این قاعده مترتب می شود؟

«لا یروون و لا یرسلون الا عن ثقة» - دو نتیجه بر آن مترتب است:

- ۱- هر کس که این گروه از او روایت نقل کند، محکوم به وثاقت است، این مطلب یک نتیجه رجالی است که بر این قاعده مترتب می شود.
- ۲- روایات مرسل آنها همانند مسانید آنها مورد قبول است، حتی اگر واسطه، فرد مجهول یا مهمل یا حذف شده باشد و این یک نتیجه اصولی است که بر این قاعده مترتب است و با نتیجه اول فرق دارد.

۱۸- چرا علمای ما بین روایات محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی و دیگر ثقاتی که جز از ثقه روایت و ارسال ندارند و بین روایاتی که دیگران به نحو مسند نقل می کنند فرقی قائل نیستند؟

شیخ در عده می نویسد: اگر یکی از دو راوی روایت را با سند آورد و دیگری به صورت مرسل، روایت مرسل مورد مطالعه و دقت قرار می گیرد. اگر راوی کسی باشد که می دانیم جز از ثقه ای که مورد اطمینان است ارسال نمی کند، در این صورت خبر دیگر بر آن ترجیحی ندارد. از این رو علمای ما بین راویان محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر، و دیگر ثقاتی که جز از ثقه روایت و ارسال ندارند و بین روایات دیگرانی که به نحو مسند نقل می کنند فرقی قائل نیستند.

۱۹- نجاشی ابن عمیر را چگونه معرفی کرده است؟

ابن ابی عمیر همانگونه که نجاشی معرفی کرده است: همان محمد ابن ابی عمیر زیاد بن عیسی، ابو احمد ازدی غلام آزاد شده مهلب بن ابیت صفره است. وی در بغداد تولد یافته و سکونت او نیز در بغداد بوده است، با امام موسی کاظم علیه السلام ملاقات نمود و احادیثی را از امام شنیده است. امام علیه السلام در بعضی از احادیث با کنیه یا ابا احمد او را مورد خطاب قرار داده است. وی از امام رضا علیه السلام نیز روایت نقل نموده است. او شخص جلیل القدری بود و نزد موافق و مخالف منزلت عظیمی داشت.

Handwritten note: ما در باب عمیر بن ابی عمیر علمای ما در کتاب خود آورده اند که او در بغداد متولد شد و در آنجا با امام موسی کاظم علیه السلام ملاقات نمود.

۲۰- ابن ابی عمیر که بود و در کجا متولد شده است؟ ابن ابی عمیر در مدینه متولد شد و در مدینه درگذشت. در جواب سؤال قبل بیان شد. *ممنوع روایت کرده او در بغداد سند شده است*

۲۱- جاحظ در کتاب «البیان و التبیین» چگونه از محمد بن ابی عمیر یاد کرده است؟

جاحظ در کتاب خود سخنانی را از محمد بن ابی عمیر حکایت کرده است. از جمله در کتاب «المفاخرة بین العدنانية و القحطانية» از او یاد شده است و در کتاب «البیان و التبیین» می نویسد: ابراهیم بن داحه از ابن ابی عمیر برای من روایت کرده است. ابن ابی عمیر شخصیتی بزرگ از بزرگان شیعه است. وی در زمان هارون الرشید به زندان محکوم شد.

۲۲- دلایل حبس محمد بن ابی عمیر در زمان هارون الرشید چه بود؟

گفته شده است که دلیل حبس ابن ابی عمیر این بوده است که مقام قضای او را قبول نماید. نیز گفته شده است که وی بعد از آن، تصدی قضای را پذیرفت. نظر دیگر در زندانی شدن او این است که از او خواسته شده تا جای شیعیان و اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام را معرفی کند.

۲۳- نوشته های محمد بن ابی عمیر به چه سرنوشتی دچار شد؟

گفته شده است که خواهر محمد بن ابی عمیر در ایام پنهان شدن او نوشته های او را دفن کرد. او مدت چهار سال در زندان به سر برد و آن نوشته ها از بین رفت. و برخی نوشتند که او نوشته های خود را در اتاقی گذاشت و در اثر باریدن باران از بین رفت.

۲۴- کتاب «مغازی» از کیست؟

محمد بن ابی عمیر.

۲۵- شیخ در کتاب فهرست خود درباره محمد بن ابی عمیر چه می نویسد؟

شیخ در فهرست می نویسد: محمد بن ابی عمیر از مورد اعتمادترین و نقه ترین افراد و از نظر ورع و عبادت پرهیزکارترین و عابدترین افراد نزد شیعه و سنی بود.

۲۶- جاحظ در کتاب «فخر قحطان علی عدنان» چگونه از ابن ابی عمیر یاد کرده است؟

او در همه امور یگانه روزگار بود و سه امام را درک کرده است. امام موسی بن جعفر علیهم السلام را درک کرد ولی از او روایت نقل نکرده است. و نیز امام رضا علیه السلام را درک کرد و از او روایت نقل کرد. همچنین امام جواد علیه السلام را درک کرد. احمد بن محمد بن عیسی از او کتابهای صد نفر از رجال امام صادق علیه السلام را روایت کرده است.

۲۷- دلیل اطلاعات شیخ بر تسویه (ساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر ابن ابی عمیر و صفوان و بزظعی) و مستند دیگران چیست؟ شاهی بر این مدعا بیان کنید؟

دلیل اطلاعات شیخ از این مساواتی که اصحاب قایلند، آن است که شیخ فردی بصیر و آگاه به احوال راویان حدیث و حالات مشایخ بوده است.

شاهد آن سخن ایشان در بحث حجیت خبر واحد در کتاب عده است که می فرماید: ما علمای خود را چنین یافته ایم که بین راویان حدیث فرق قائل شده اند. تعدادی را که مورد وثوق و اطمینان هستند، توثیق می کنند و آنان را که ضعیف هستند، تضعیف می کنند، همچنین بین افرادی که در حدیث و روایت مورد اعتماد هستند و کسانی که اعتماد به حدیث آنان نیست فرق می گذارند، همچنین کسانی که مورد مدح و ستایش هستند مدح، و کسانی که مورد ذم هستند ذم می کنند.

۲۸- اسامی و تصریحات تعدادی از علما را که مرحوم محدث نوری درباره تسویه (مساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتلی) و مستند دیگران تصریح کرده است نام برده و نظر ایشان را بنویسید؟

- ۱- سید علی بن طاووس در کتاب فلاح السائل بعد از نقل حدیثی از امالی صدوق که سندش به ابن ابی عمیر منتهی می شود ، که او از کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده است ، نقل کرده که امام فرمود : « ما أَحَبَّ اللهُ مِنْ غِصَاةٍ » می فرماید : « راویان این حدیث به اتفاق تفه هستند ، و مراسیل محمد ابن ابی عمیر نزد شیعه مثل مسانید او است . »
- ۲- محقق در کتاب معتبر در بحث کرم می نویسد : « روایت محمد بن ابی عمیر از بعضی از اصحاب از امام صادق علیه السلام که امام فرمود : « کَرُّ هَزار و دویست بیمانه است . » ، اصحاب ما به این روایت عمل کرده اند . و این روایت به دلیل مرسل بودن مورد طعن و عیب قرار نمی گیرد ، زیرا اصحاب به روایات مرسل ابن ابی عمیر عمل می کنند . »
- ۳- قاضی آبی ، در کتاب کشف الرموز که شرح مختصر النافع است ، درباره روایت مرسل ابن ابی عمیر می نویسد : « این روایت اگر چه مرسل است ، لکن اصحاب ما به روایات مرسل ابن ابی عمیر عمل می کنند و می گویند که او جز از راوی معتمد نقل نمی کند . »

۲۹- عده ای از علمای قرن هشتم که بر قاعده تسویه (مساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر « ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتلی » و مستند دیگران) تصریح کرده اند نام برده و نظر ایشان را بنویسید ؟

- ۱- علامه در کتاب نهاییه می نویسد : « نظریه موجه از نظر ما منع از عمل است ، مگر آنکه بدانیم که راوی جز از عادل ارسال نمی کند ، مثل مراسیل محمد بن ابی عمیر . »
- ۲- عمید الدین حلّی خواهر زاده و شاگرد علامه حلّی در کتاب خود « منیة اللیب فی شرح التهذیب » در بحث مرسل می نویسد : « مصنف که منع را اختیار کرده است ، در صورتی است که ندانیم راوی جز از عادل ارسال نمی کند ، مثل روایات ابن ابی عمیر که از علمای شیعه امامی است . »
- ۳- شهید در کتاب « ذکری » در احکام اقسام خبر می نویسد : « یا اینکه معلوم است که ارسال کننده مرسل از نقل روایت از راویان مورد جرح پرهیز دارد . از این رو اصحاب ما مراسیل ابن عمیر ، صفوان ابن یحیی و احمد ابن ابی نصر بزنتلی را می پذیرند ، زیرا آنها جز از تفه ارسال نمی کنند . »

۳۰- چه کسی که از علمای قرن نهم بر قاعده تسویه (مساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر « ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتلی » و مستند دیگران) تصریح کرده است ؟ نام برده و نظر ایشان را بنویسید ؟

- کسانی که از علمای قرن نهم که به این قائده تصریح نموده است ، عبارت است از :
- ابن فهد حلّی در کتاب مهذب البارع در مساله وزن کرم ، بعد از نقل روایت ابن ابی عمیر می نویسد : « مرسله بودن ، روایت ابن ابی عمیر را تضعیف نمی کند ، زیرا اصحاب ما به مراسیل او عمل می کنند . »

۳۱- کسانی که از علمای قرن دهم که بر قاعده تسویه (مساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر « ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتلی » و مستند دیگران) تصریح کرده اند ، نام برده و نظر ایشان را بنویسید ؟

از علمای قرن دهم که به این قائده تصریح نموده اند ، عبارتند از :

- ۱- محقق ثانی علی بن عبدالعالی مؤلف کتاب جامع المقاصد می نویسد : « آن دو روایت صحیح و از مراسیل ابن ابی عمیر هستند که به مسانید ملحق است . »
- ۲- شهید ثانی در کتاب « الدرایة و شرحها » می نویسد : « مرسل بنا به قول صحیح مطلقاً حجت نیست ، مگر آنکه بدانیم ارسال کننده آن از نقل روایت از غیر تفه احتراز می کند ، مثل ابن ابی عمیر از شیعیان که تعداد زیادی در باره او چنین نقل کرده اند ، و سعید بن مسیب نزد شافعی ها ، از این رو مرسل او مورد قبول و در قوه مسند است . »

۳۲- چند نفر از علمای قرن یازدهم بر قاعده تسویه (ساوی داشتن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر « ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتی » و مستند دیگران) تصریح کرده اند نام برده و نظر ایشان را بنویسید؟

از جمله کسانی که از علمای قرن یازدهم که به این قاعده تصریح نموده اند، عبارتند از:

۱- میرزا استرآبادی در کتاب خود « منهج المقال »، که خلاصه کلام او این است: « ابراهیم بن عمر نزد نجاشی تقه است، ولی ابن غضائری او را تضعیف کرده است. قول اول ترجیح دارد، زیرا ابن ابی عمیر با واسطه حمّاد از او نقل روایت نموده است. »

و درباره ابن ابی الاغرّ النّحاس می نویسد: « روایت او معتبر و مورد اعتنای ماست، زیرا ابن ابی عمیر و صفوان از او روایت نقل کرده اند. »

۲- شیخ بهائی در شرح الفقیه می نویسد: « اصحاب ما به مرسله های ابن ابی عمیر اعتماد دارند، مثل روایات مسند او که مورد اعتماد است، زیرا از حال او می دانند که جز از تقه ارسال نمی کند. »

۳- مرحوم محدث شیخ حرّ عاملی از کسانی است که کلام شیخ طوسی را در خاتمه وسائل الشیعه در فائده هفتم ذکر نموده است.

۴- مرحوم وحید بهبهانی در حاشیه خود بر منهج المقال می نویسد: « از همین مقوله است روایت صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر. نقل روایت از کسی توسط این دو نشانه وثاقت آن شخص است؛ زیرا شیخ در کتاب عده می نویسد: « این دو راوی جز از تقه روایت نقل نمی کنند. فاضل خراسانی در ذخیره خود نیز به همین شیوه مشی کرده است. »

۵- شیخ عبداللّی بن علی بن احمد بن جواد در کتاب « تکملة نقد الرجال » که آن را در سال ۱۲۴۰ به پایان رسانید، در مورد « برد اسکاف » می نویسد: محقق سیزواری در ذخیره می نویسد: علمای رجال او را توثیق نکرده اند. البته وی دارای کتابی است که ابن ابی عمیر از آن روایت نموده است، و همین نقل روایت، دلیل بر توثیق اوست. و همچنین مرحوم محدث نوری از مقاتب سید مجاهد ادعای محقق اردبیلی را، مبنی بر اجماع اصحاب بر عمل به مراسیل ابن ابی عمیر نقل کرده است.

۳۳- محدث نوری می نویسد: « ادعای اجماع به حد استفاضه رسیده است و ممکن است علم آنها به اخبار ابن ابی عمیر مخوف به قرائن باشد یا از حال مشایخ او (که افرادی محدود هستند) تحقیق کرده باشند و یا به هر دو صورت مذکور بدان علم پیدا کرده باشند، قابل اعتماد نبوده و مورد استناد قرار نمی گیرد. » چرا این سخن به حجیت سخن شیخ ضرر نمی رساند؟

زیرا اگر چه با سخن شیخ، اجماع علمای ما به تسویه مذکور ثابت نمی شود، اما از طریق آن توثیق مشهور نسبت به مشایخ ابن ابی عمیر ثابت می شود و اینکه در این جا بزرگانی هستند که تمام مشایخ ابن ابی عمیر را تزکیه می کنند و روی همین جهت با مرسله های او همانند مسند رفتار می کنند.

۳۴- کسانی که به این تسویه (ساوی دانستن اصحاب بین روایت مرسل از این سه بزرگوار ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتی) و مسند دیگران عمل نکرده اند، چند نمونه را بیان کنید؟

جمع زیادی از دانشمندان هستند که به این تسویه عمل نکرده اند و حجیت مراسیل وی را نمی پذیرند، این افراد عبارتند از:

۱- شیخ الطائفه در چند جای تهذیب و استبصار خود می نویسد: « اما آنچه که محمد بن ابی عمیر روایت کرده است (گفت: روایت کرد برای من از عبدالله - یعنی ابن معیره - و او مرفوعاً به امام صادق علیه السلام که فرمودند: مقدار کبر شخص رطل است)، اولین اشکال آن این است که آن روایت مرسل و غیر مستند است. علاوه بر آن با احادیثی که ما روایت کردیم، تعارض دارد. »

۲- عبارتی که محدث نوری از کتاب معتبر محقق نقل کرده است، به این صورت « جواب آن این است که سند آن به دلیل مرسل بودن مورد عیب و طعن است. و اگر گفته شود که اصحاب ما به مرسله های ابن ابی عمیر عمل می کنند.» این سخن از نظر ما مردود است، زیرا کسانی در رجال ابن ابی عمیر هستند که اصحاب ما آنها را مورد طعن و عیب خود قرار داده اند، لذا وقتی که روایتی به نحو ارسال، ذکر می شود این احتمال وجود دارد که راوی آن یکی از آنها باشد.»

۳- سید جمال الدین ابن طاووس صاحب کتاب البشری نیز از جمله مخالفان حجیت مراسیل است. مرحوم شیخ ثانی در درایه مخالفت او را نقل کرده است.

۴- شهید ثانی در درایه خود می نویسد: « واقعیت این است که علم پیدا کردن به اینکه راوی فقط از تفه ارسال می کند، محل نظر و اشکال است.» سپس دلیل سخن خود را ذکر کرده است.

۵- سید محمد صاحب مدارک نوه شهید ثانی نیز در کتاب مدارک با آن مخالفت نموده است.

۶- فرزند شهید ثانی، شیخ حسن صاحب معالم در بحث حجیت مراسل ابن ابی عمیر اشکال نموده است.

۳۵ - با توجه به عبارت « قال فی المعتبر: لو قال قائل: مراسیل

(سؤال امتحانی در شهریور ۹۲ و مرداد ۹۴)
ابن ابی عمیر تعمل بها الأصحاب، معنا ذلك، لأن فی رجاله من طعن الأصحاب فيه، فإذا أرسل احتمال أن يكون الراوی أحدهم. وأجاب الشيخ البهائي: وروايته أحياناً عن غير الثقة، لا يقدح في ذلك؛ لأنهم ذكروا أنه لا يرسل إلّا عن ثقة لا أنه لا يروى إلّا عن ثقة»، اشکال محقق و جواب شیخ بهائی را بیان کنید.

اشکال: « اگر گفته شود که اصحاب ما به مرسله های ابن ابی عمیر عمل می کنند.» این سخن از نظر ما مردود است، زیرا کسانی در رجال ابن ابی عمیر هستند که اصحاب ما آنها را مورد طعن و عیب خود قرار داده اند، لذا وقتی که روایتی به نحو ارسال ذکر می شود این احتمال وجود دارد که راوی آن یکی از آنها باشد.»

شیخ بهائی از آن اشکال جواب داده است: « اینکه ابن ابی عمیر گاهی از غیر تفه روایت نقل می کند، به گمان ما ضرری وارد نمی کند. زیرا علمای ما گفته اند: او جز از تفه ارسال نمی کند نه اینکه از تفه روایت نمی کند.»

۳۶- طبق اسناد کتب اربعه و غیر آن، بزرگان، چند شیخ و استاد را برای ابن ابی عمیر ذکر کرده اند؟

هر کس که در اسناد کتب اربعه و غیر آن تحقیق کند، در می یابد که مشایخ ابن ابی عمیر زیاد بوده اند. به گونه ای که بعضی از بزرگان از چهار صد و ده شیخ و استاد برای او ذکر کرده اند.

۳۷- مرحوم محدث نوری چند شیخ برای محمد بن ابی عمیر ذکر کرده است؟

مرحوم محدث نوری صد و سی و سه شیخ برای محمد بن ابی عمیر ذکر کرده است و می نویسد: این مطلبی چیزی است که آن را با عجله به دست آوردم و شاید بتوان با تحقیق در اسانید و طرق حدیث بر بیش از این تعداد دسترسی پیدا نمود.

۳۸- صاحب «معجم الرجال» در شرح حال ابن ابی عمیر بعد از حذف مکررات نام چند شیخ را ذکر می کند؟

صاحب «معجم الرجال»، نام نزدیک به دویست و هفتاد شیخ را ذکر می کند.

۳۹- صاحب مجمع الثقات در این کتاب اسامی مشایخ ابن ابی عمیر و صفوان و بزئطی را با حذف اسامی کسانی که توثیق بخصوص در حق آنها رسیده است به چند شیخ رسانده است؟

سیصد و شصت و یک شیخ. ۳۶۱

۴۰- وجود تعدادی زیادی شیخ برای ابن ابی عمیر نشانگر چیست؟

نشانگر اطلاع عمیق او در علم حدیث و رسیدن او به قلّه این علم است، تا جایی که موفق شده از این همه استاد که تعداد کثیری هستند، حدیث اخذ کند.

۴۱- نویسنده کتاب مشایخ الثقات در فهرستی که در بیان مشایخ ابن ابی عمیر تدوین نموده است، افرادی را بعنوان استاد شیخ ابن ابی عمیر نقل کرده است در حالی که از آنها نبوده اند، منشأ این اشتباه چیست؟
منشأ این اشتباه، یا غلط بودن این نسخه یا صحیح نبودن آن بوده است یا در الفاظ سند تعمق کافی به عمل نیآورده است.

(سؤال امتحانی در آبان ۹۲) = ۴۲ - مصنف، از اشکال نقضی مرحوم خوبی بر وثاقت اساتید مشایخ ثلاثه « ابن ابی

عمیر و صفوان بن یحیی و بزئطی، چهار جواب داده است. آن ها را بیان کنید.

- ۱- بسیاری از این افراد ضعیف، از اساتید مشایخ ثلاثه نبوده اند.
- ۲- ضعف تعدادی از این افراد، از جهت مذهب و عقیده بوده نه از جهت روایت.
- ۳- منشأ این نقض در برخی از افراد ضعیف، اشتراک اسمی آنان می باشد.
- ۴- برخی از افراد تضعیف شده، تضعیفشان با توثیقات معارض است.

(سؤال امتحانی در شهریور ۹۲ و خرداد ۹۲ و ۹۳) = ۴۳ - کدام گزینه در جواب از نقض های وارد شده بر

توثیق مشایخ الثقات غلط است؟

- ا. بسیاری از افراد ضعیف از معاصران مشایخ الثقاتند نه از مشایخ آنان
- ب. نقل مشایخ ثلاثه از افراد مورد نقض، ثابت نیست
- ج. وجه ضعیف بیشتر افراد مورد نقض، از جهت مذهب است
- د. برخی افراد مذکور، ضعیف نیستند یا قولی بر وثاقت آنان وجود دارد.

۴۴- اشکالاتی که صاحب معجم الرجال

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۱ و ۸۵ و شهریور ۸۲ و ۸۵ و ۸۶) =

الحديث بر حجیت مراسیل مشایخ الثقات وارد کرده نوشته و پاسخ مؤلف را بیان کنید؟

اشکال اول: اگر تسویه بین مشایخ ثقات و مسانید دیگران صحیح می بود، در کلام یکی از قدما ذکر می شد. آن چه که مسلم است این است که منشأ ادعای شیخ در غده، فقط اجماع ادعایی مرحوم کشی بر صحیح دانستن هر آن چیزی است که این افراد بر آن صحه گذارده اند، علاوه بر این که خود شیخ طوسی، در بعضی جاها مثل تهذیب، روایت ابن ابی عمیر را به دلیل ارسالش رد نموده است.

جواب: در شرائطی که هیچ کتابی از آن همه علمای قدیم به دست ما نرسیده جز کتاب رجال برقی و رجال کشی که تازه نه اصلش، بلکه نسخه انتخابی اش نزد شیخ بوده، نمی توان ادعا کرد که هیچ یک، ذکری از وثاقت آنها و ادعای شیخ طوسی درباره آنها ننموده اند.

اما اینکه شیخ در تهذیب و استبصار، مراسیل ابن ابی عمیر را رد نموده، نظر به اینکه این دو کتاب را در ایام جوانی نوشته و بر سیره اصحاب در مراسیل مشایخ الثقات وقوف کامل نداشته و از سوی دیگر « غده » را در اواخر عمر نوشته و وقوف کامل و اشراف تام بر اصول داشته است.

اشکال دوم: بر فرض پذیرش برابری و تسویه مراسل مشایخ ثقات و مسانید دیگران، احتمال قوی وجود دارد که منشأ حجیت مراسیل این افراد، همان بنا، قدما، بر حجیت خبر هر امامی که فسق او ظاهر نکشته است، باشد در حالی که ما این مبنای قدما را قبول نداریم. و احراز وثاقت راوی را در پذیرش خبرش معتبر می دانیم.

جواب: هر گاه یکی از علماء به چیزی فتوی می داد که مدرکش معلوم نبود، از او مدرک فتوی اش را سؤال می کردند و اگر سؤال کننده را به کتاب و یا اصلی معروف و مشهور، ارجاع می دادند و آنها نقه بودن حدیث را می دیدند از او می پذیرفتند و این عادت و سجیه علماء از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بوده است. علاوه بر این که اگر

بناءً قدما بر اصالت العدالة یا اصالت الفسق در هر راوی که حالش معلوم نبود، می بود دیگر معنایی برای تقسیم روایت به ثقه و ضعیف و مجهول قابل تصور نبود.

اشکال سوم: امکان اثبات نمودن این که مشایخ الثقات، خودشان به عبارت « لایروون و لایرسلون الا عن ثقه » تصریح کرده اند که چنین نسبتی به آنها داده نشده و یا با تحقیق در کتب آنها بدست آمده است، که نهایتاً عدم الوجدان را اثبات می کند.

جواب: اولاً امکان دارد که تصریح کرده باشند ولی به دست ما نرسیده باشد مخصوصاً ما علم داریم که بسیاری از آثار در طول زمان از بین رفته است.

ثانیاً: همین عدم الوجدان، به ما اطمینان می دهد که آنها ملتزم بوده اند از غیر ثقه نقل نکنند و همین مقدار کافی است. **اشکال چهارم:** ثابت نشده مشایخ الثقات از افراد ضعیفی نقل روایت کرده اند. مثلاً از یونس بن ظبیبان و ابی جمیل و علی بن ابی حمزه و علی بن حدید و مقضل بن صالح.

جواب: اولاً ضعف آنها ثابت نیست. چون در مقابل، برخی مدحشان کرده اند.

ثانیاً: بر فرضی که ضعف شان ثابت شود، با توثیق مشایخ الثقات که به سبب روایت کردن از آنها است معارضه می کند. ثالثاً: نهایت امر این است که حکم کنیم به وفاق هر کسی که مشایخ الثقات از آنها روایت کرده اند مگر کسانی که ضعف آنها ثابت شده است.

۴۵- صاحب معجم الرجال به قاعده مشهور در حق ثقات ثلاث - ابن

(سؤال امتحانی در شهریور ۸۶ و ۹۳) =

ابی عمیر، صفوان و بزنتی - چهار مورد نقض وارد می کند، دو مورد آنها را نام ببرید.

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است.

۴۶- با توجه به عبارت فوق « لو كانت التسوية بين

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۰ و ۹۳ و شهریور ۹۱)

مراسيل هؤلاء الثقات و مسايد غيرهم) صحیحه لذكرت في كلام أحد من القدماء ، فمن المطمان به ، أن منشأ هذه الدعوى الكشي الإجماع على تصحيح ما يصح عن هؤلاء ... ، ويؤكد ما ذكرناه أن الشيخ لم يخص ما ذكره بالثلاثة المذكورين ؛ بل عممه لغير هم بقوله : و غيرهم من الثقات مضافاً إلى أن الشيخ بنفسه رد في مواضع ، رواية ابن ابی عمیر للإرسال. ، چه اشکالهایی بر « وفاق مشایخ الثقات » وارد است ؟ توضیح دهید. وجه تاکید را در عبارت فوق بیان کنید.

اگر تسویه بین مشایخ ثقات و مسايد ديگران صحيح می بود، در کلام یکی از قدما ذکر می شد. آن چه که مسلم است این است که منشأ ادعای شیخ در عده، فقط اجماع ادعایی مرحوم کشی بر صحیح دانستن هر آن چیزی است که این افراد بر آن صحه گذارده اند، علاوه بر این که خود شیخ طوسی، در بعضی جاها مثل تهذیب، روایت ابن ابی عمیر را به دلیل ارسالش رد نموده است و وجه تاکید آن است که خود شیخ به مقتضای قاعده عمل نکرده است.

۴۷- إن كثيراً من هؤلاء الضعاف لم يكونوا مشايخ للثقات، بل كانوا

(سؤال امتحانی در خرداد و شهریور ۹۱)

عدالهم و اقربانهم وإنما توهمت الروايه عنهم بسبب وجود « عن » مكان « الواو » فتصحيف العاطف بحرف الجر صار سبباً لأوهام كثيرة ، اشکال و پاسخ مذکور در عبارت را توضیح دهید.

اشکال: عبارت ناظر به رد اشکال نقضی قاعده مشایخ الثقات است. قاعده مذکور صحیح نیست؛ چون مواردی از مشایخ آنها مشهور الضعف هستند.

پاسخ: بسیاری از ضعفانی که به عنوان شیخ این سه بزرگوار « محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی » محسوب شده و ثابت الضعف هستند جزء مشایخ نیستند و این اشتباه از نسخ به وجود آمده که جای « و »، « عن » نوشته اند.

۴۸- شیخ حر عاملی از صدوق در علل الشرایح از « محمد بن حسن ، از صفار از یعقوب بن یزید از محمد ابن ابی عمیر از محمد بن سنان از کسی که او از امام صادق علیه السلام شنیده نقل کرده است که آن حضرت فرمود: « که خداوند

بیاعبری را به سوی قومی مبعوث نمود، آنها آن را گرفته اند و پوست سر و صورتش را کردند. فرشته ای نزد او آمد و به او گفت خداوند مرا مأمور کرد از شما اطاعت کنم آنچه می خواهی امر کن فرمودند: الکوی من در این کار، امام حسین علیه السلام است و مصائبی را که بر من وارد می کنند، در اینجا به استناد این روایت، محمد بن سنان از مشایخ ابن ابی عمیر شمرده شده است، چرا استظهار ایشان در اینجا تمام نیست، مؤید این سخن را بیان کنید؟

استظهار ایشان در اینجا تمام نیست، زیرا محمد بن سنان از معاصرین ابن ابی عمیر بوده است، نه از مشایخ او. این سنان در سال ۲۲۰ فوت نموده است در حالی که ابن ابی عمیر در سال ۲۱۷ فوت کرده است و عادتاً نباید از کسی که مثل خود است، نقل کند، وانگهی آنچه که در علل الشرایع آمده است، عبارت «محمد بن سنان» به جای عبارت «عن محمد بن سنان» است، لیکن حرف «واو» با «عن» اشتباه شده است.

۴۹- چند مورد از مواردی که لفظ «واو» به «عن» تبدیل شده است بیان کنید؟

تبدیل لفظ «واو» به «عن» در اسناد زیادی وجود دارد. و مرحوم صاحب معالم در مقدمات «منتقى الجمان» نسبت به آن تذکر داده است. صاحب المعالم در «منتقى الجمان» می نویسد: از آنجا که غالباً راهها یکی است و کلمه «عن» در سند بکار می رود. از این رو گاهی در اثر عجله، طبق عادت و غالب به جای «و» لفظ «عن» نوشته می شود. لذا جایی که لازم است «واو» نوشته شود، «عن» نوشته می شود. در نسخه تهذیب که به خط شیخ نزد من است، در چند جا حرف «عن» به اشتباه نوشته شده است و خود ایشان که بعد از آن متوجه اشتباه شده اند، سر حرف عین از واژه «عن» را به واو تبدیل نموده اند. بعد ها این کار موجب اشتباه نسخه بردارها شده و آن را به صورت اصلی، یعنی «عن» نوشته اند و همین نسخه در چاپ های جدید پخش شده است؛ اما وقتی که من به خط شیخ مراجعه می کنم، حقیقت امر بر من روشن می شود.

۵۰- یک نمونه از جاهایی که حرف «عن» به جای حرف «و» نوشته شده است بیان کنید؟

از جاهایی که حرف «عن» به جای حرف «و» نوشته شده است و این غلط به تکرار اتفاق افتاده است، این سند است: «شیخ از سعد بن عبدالله از احمد بن محمد بن عیسی از عبدالرحمن بن ابی نجران و علی بن حدید و حسین بن سعید». این اشتباه با خط خود شیخ در چند جای کتاب واقع شده است، به این صورت که یکی از دو «واو» عطف را تبدیل به «عن» کرده است. اما در عین حال جای شک یا احتمال نیست. چرا که این اسناد در کتاب رجالی و حدیث زیاد تکرار شده است.

۵۱- صدوق از پدرشان روایت کرده است که علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی خبر داد و گفت: «محمد بن زیاد غلام آزاده شده بنی هاشم به ما خبر داد و گفت که شیخ ثقه نجیه بن اسحاق فرازی خبر داد و گفت: عبدالله بن حسن خبر داد که امام ابوالحسن علیه السلام فرمود: «چرا فاطمه را فاطمه نامیده اند...»، این نظر که مراد از محمد بن زیاد همان بن ابی عمیر باشد، بی دلیل است، چرا؟

زیرا در کتابهای حدیثی ابن ابی عمیر با نام محمد بن زیاد آورده نمی شود. مگر اینکه همراه آن واژه «ازدی» یا «بزاز» آورده شود. و در کتاب رجال عده ای از راویان به این اسم «محمد بن زیاد» عنوان شده اند و تعداد آنها به نه نفر می رسد. علاوه بر آن هیچ یک از علمای رجال، ابن ابی عمیر را به وصف «مولى بنی هاشم» توصیف نکرده است. بلکه نجاشی و دیگران او را به «من موالی المهلب» یا «بنی امیه» توصیف نموده اند. و نجاشی گفته است که نظر صحیح در اینجا مولى المهلب است.

۵۲- صدوق از استاد خود محمد بن حسن بن ولید روایت کرد و او از محمد بن حسن صفار و او از حسین بن حسن بن ابان و او از حسین بن سعید و او از ابن ابی عمیر و او از حماد بن عثمان و معاویه بن حفص ، از منصور همگی از امام صادق علیه السلام که حضرت در مسجد الحرام بودند ... » ، مولف کتاب مشایخ الثقات ، معاویه بن حفص را از مشایخ ابن ابی عمیر شمرده است در حالی که در کتابهای رجالی شخصی به این نام عنوان نشده است ، چرا ؟

زیرا معنا ندارد لفظ «جمیعاً» در عبارت «عن منصور جمیعاً» به شخص منصور که یک نفر بیش نیست ، ارجاع داده شود. بنابراین با توجه به این دو امر (ملاحظه طبقات وسط ، و لفظ «جمیعاً») استفاده می شود که معاویه بن حفص در روایت به ابن ابی عمیر عطف شده است ، نه به حماد بن عثمان . پس در حقیقت حسین بن سعید به دو سند از امام علیه السلام روایت کرده است :

الف- حسین بن سعید از ابن ابی عمیر از حماد از امام صادق علیه السلام .

ب- حسین بن سعید از معاویه بن حفص از منصور از امام صادق علیه السلام .

بنا براین معاویه هم طبقه ابن ابی عمیر است و از مشایخ او نیست .

۵۳- شیخ در تهذیب از حسین بن سعید از فضاله بن ایوب و محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از جمیل و از عبدالرحمن بن ابی نجران از محمد بن حمران روایت می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا کندن گیاه سرزمین حرم جایز است. « مولف کتاب مشایخ الثقات گمان کرده است که عبدالرحمن بن ابی نجران از مشایخ بن عمیر و ثقه است و این استظهار از عطف عبدالرحمن به جمیل استفاده شده است ؛ ولی چنین چیزی صحیح نیست ، چرا ؟

زیرا عبدالرحمن با جمیل به دراج که از شاگردان امام صادق علیه السلام است هم طبقه نیستند ، بلکه پدر او ابو نجران با او هم طبقه است.

۵۴- آیا عبد الرحمن بن ابی نجران از مشایخ ابن ابی عمیر است ؟ نظر نجاشی را بیان کنید. *عبدالرحمان از مشایخ محمد بن ابی عمیر است*

نجاشی در این باره چنین می نویسد : « عبدالرحمن بن ابی نجران کوفی است و از امام رضا علیه السلام روایت نقل کرده است ، و پدرش ابو نجران از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده است . » از این رو عبدالرحمن از راویان هم طبقه ابن ابی عمیر است ، نه از مشایخ او .

۵۵- شیخ به اسناد خود از حسن بن محمد بن سماعه از محمد بن زیاد یعنی ابن ابی عمیر از معلی بن خنیس روایت کرد که گفت : از امام صادق علیه السلام پرسیدم : آیا زراعت را خریداری کنم ؟ فرمود : وقتی که به اندازه یک وجب باشد . صاحب کتاب « مشایخ الثقات » به نقل از رجال کشی گفته است ، معلی بن خنیس از ابن ابی عمیر روایت نقل کرده است ؛ ولی ظاهراً واسطه ای بین ابن ابی عمیر و معلی بوده که افتاده است ، چرا ؟

زیرا داود بن علی در زمان امام صادق علیه السلام معلی را به امر منصور کشته است و بعید است ابن ابی عمیر که متوفای سال ۲۱۷ است ، از او روایت نقل کند ؛ زیرا به نقل جزری در کامل ، داود بن علی در سال ۱۳۳ وفات یافته است ، بنابراین معلی باید قبل از این سال کشته شده باشد ، از این رو امکان ندارد ابن ابی عمیر از معلی روایت نقل کند ، مگر آنکه متولد سال ۱۱۲ و از کهنسالانی باشد که نزدیک صد سال عمر کرده باشد . و این در حالی است که اگر از معمرین می بود ، به این دلیل که وی از چهره های شاخص شیعه بود ، نقل می شد . در تأیید این مطلب متذکر می شویم که صفوان بن یحیی (متوفای سال ۲۱۰) به واسطه معلی بن یزید احوال ، کتاب معلی را از ابن ابی عمیر نقل کرده است . بنا بر این نتیجه می گیریم که معلی ابن خنیس از مشایخ ابن ابی عمیر نیست خواه ثقه و مورد وثوق باشد ، یا ثقه نباشد .

۵۶- معانی لفظ «تفه» را نوشته و بیان کنید

سؤال امتحانی در خرداد ۸۲ و شهریور ۸۳ و آبان ۹۲

در قول شیخ طوسی «لا یروون و لا یرسلون الا ممن یوثق به» کدام معنا مراد است؟

- مورد استعمال لفظ تفه متفاوت است: تفه
- ۱- گاهی منظور از آن کسی است که از نظر زبان راستگو باشد، اگر چه از نظر اعضاء و جوارح گنهکار باشد.
 - ۲- گاهی نیز منظور از آن دوری از تمام گناهان است که دروغ یکی از آنها است، امامی باشد یا غیر امامی.
 - ۳- گاهی نیز منظور از استعمال آن علاوه معنای دوم، داشتن عقیده و مذهب صحیح است، یعنی راوی باید امامی باشد.
- نظر شیخ طوسی همان معنای سوم است.

سؤال امتحانی در خرداد ۹۲

۵۷- با توجه به عبارت «قد تطلق التفه و یراد منها الصدوق لساناً و إن کان

عاصیا بالجوارح و قد تطلق و یراد منها المتحرز عن المعاصی کلها ولو لم یکن إمامياً و قد تطلق و یراد المعنی الثانی بإضافة کونه صحیح المذهب»، مواد از لفظ «تفه» در قول شیخ طوسی: «لا یروون و لا یرسلون الا ممن یوثق به» کدام یک از معانی فوق است؟ توضیح دهید. *دوره دوم از نگاهان دوری بند در علامه را*

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است. در مذهب و عقیده صحیح باشد.

سؤال امتحانی در خرداد ۹۲

۵۸- با توجه به عبارت «هل المراد من قوله: «فإن کان ممن یعلم أنه لا یرسل

إلا عن ثقة موثوق به فلا ترجیح لخبیر غیره علی خیره بما هو الإنسان الموثوق به سواء أکان امامياً أم غیره أو خصوص العدل الإمامی؟ توضیح آنکه آنکه قد تطلق التفه و یراد منها الصدوق لساناً و إن کان عاصياً بالجوارح»، با توجه به متن، دو معنای دیگری که از تفه اراده می شود را بیان نمایید. *دوره دوم از نگاهان دوری بند در علامه را*

جواب این سؤال در گزینه (۲) و (۳) جواب سؤال قبل بیان شده است. *دوره دوم از نگاهان دوری بند در علامه را*

سؤال امتحانی در شهریور ۸۳ و آبان ۹۲

۵۹- از کلمه «تفه» در کلام مرحوم کشی «لا یروون و لا

یرسلون الا عن ثقة موثوق به» در فرض عدم قرینه بر کدام معنا حمل می شود؟ چرا؟

از کلمه «تفه» در فرض عدم قرینه بر معنای اول یعنی «کسی که از نظر زبان راستگو باشد، اگر چه از نظر اعضاء و جوارح گنهکار باشد» حمل می شود. زیرا آن چیزی که در نزد اهل لغت و عرف متبادر می کند همان معنای اول است.

۶۰- خلاصه کلام شیخ را در باره منظور از تفه بیان کنید؟

خلاصه کلام شیخ این است:

۱- شیخ طوسی در بحث از ترجیح یکی از دو خبر بر دیگری گفته است که روایت شخص مخالف (خواه شیعه باشد یا غیر شیعه) ، در صورتی قابل استدلال است که در مقابل آن، خبر معارضی که از طریق شیعه امامی نقل شده، وجود نداشته باشد.

عین عبارت شیخ چنین است: «اما اگر راوی در اعتقادات با اصل مذهب، مخالف باشد و در عین حال از ائمه علیهم السلام روایت کرده باشد، در روایات او دقت می شود، اگر از طریق مورد وثوق و اطمینان، روایت دیگری مخالف با آن یافتیم، در این صورت باید خبر او را کنار بگذاریم اما اگر چیزی که موجب کنار گذاشتن خبر است وجود نداشته باشد بلکه خبر موافق با آن یافتیم، لازم است بر طبق آن عمل نماییم، و اگر از طرف فرقه محقه روایت موافق و مخالفی نیافتیم و کلامی از شیعه در این مورد نشناختیم، باز واجب است به آن عمل نماییم.»

شیخ نظیر این مطلب را در حق سایر فرقه های شیعه مانند فطحیه و واقفیه و ناووسیّه نیز ذکر کرده است.

۲- علمای شیعه مراسیل این سه بزرگوار (ابن ابی عمیر، صفوان و بزظی) و مسانید دیگران را یکسان می دانند، و چون منظور از مسانید دیگران در اینجا احادیثی است که از طریق اصحاب ما روایت شده است، بنابراین مراد از تفه ای که این سه بزرگوار از او ارسال می کنند، شخص عادل و امامی باشد، تا حکم به مساوات مراسیل ایشان با مسانید دیگران درست باشد؛ و گر نه اگر مراد از تفه، تفه بالمعنی الاعم باشد به گونه ای که شامل امامی و غیر امامی از فرقه های شیعه و حتی

غیر شیعه باشد، تسویه مذکور با تحقیق و نظر او که قائل به تفصیل است، منافات پیدا می کند. بنابراین تسویه مذکور در صورتی صحیح است که منظور از ثقه ای که این ابی عمیر و امثال او از او روایت را مرسلأ نقل می کنند، عدل امامی باشد.

۶۱- مراد از لفظ «ثقه» در قول شیخ طوسی «لایروون و لایرسلون الامتن یوثق به» چیست؟

آنچه که نویسنده کتاب از کلام شیخ استنباط کرده است، مبتنی بر ثبوت دو امر است:

امر اول: منظور از ثقه در اصطلاح قدماء، امامی راستگو یا امامی عادل باشد، به گونه ای که اعتقاد به مذهب حق در مفهوم ثقه نقش داشته باشد، تا بتوان کلام شیخ «لایروون و لایرسلون الامتن یوثق به» را بر آن معنا حمل نمود.

دوم: روش شیخ در حجیت خبر واحد همان روش قدماء باشد، یعنی اینکه اقتضای حجیت در خبر مخالف، ناقص و ناتمام است و از این رو چنین خبری توان معارضه و رویارویی با خبر موافق (شیعه عدل امامی) را ندارد. به خلاف خبر موافق که اقتضای حجیت در آن تمام است و لذا بر خبر مخالف مقدم می شود ولی با خبر موافق دیگر معارضه می کند.

۶۲- آنچه که نویسنده از کلام شیخ در مورد استعمال لفظ ثقه استنباط کرده است چند امر را ثابت می کند؟

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است.

۶۳- اشکالاتی که به این دو امر (امر اول: منظور از ثقه در اصطلاح قدماء، امامی راستگو یا امامی عادل باشد، به گونه ای که اعتقاد به مذهب حق در مفهوم ثقه نقش داشته باشد، تا بتوان کلام شیخ «لایروون و لایرسلون الامتن یوثق به» را بر آن معنا حمل نمود. دوم: روش شیخ در حجیت خبر واحد همان روش قدماء باشد، یعنی اینکه اقتضای حجیت در خبر مخالف، ناقص و ناتمام است و از این رو چنین خبری توان معارضه و رویارویی با خبر موافق (شیعه عدل امامی) را ندارد. به خلاف خبر موافق که اقتضای حجیت در آن تمام است و لذا بر خبر مخالف مقدم می شود ولی با خبر موافق دیگر معارضه می کند.) وارد شده است، بیان کنید؟

اشکال امر اول: شکی نیست که لفظ ثقه، مفید مدح تام است و شخصی که به آن متصف است، مورد اعتماد و دارای قدرت ضبط است، اما این لفظ هرگز دلالت نمی کند که چنین شخصی، امامی هم هست، مگر آنکه با قرآنی همراه باشد.

اشکال امر دوم: تفصیلی که شیخ در خبر های غیر امامی ذکر کرده است، نظریه اختصاصی اوست و نظر تمام اصحاب نیست. از این رو وقتی که برای تفصیل استدلال می کند، می گوید: «نظری که من اختیار کردم این است که خبر واحد وقتی که از طریق اصحاب ما که به امامت عقیده دارند، باشد.»

و پس از آن به طور مبسوط وارد استدلال بر نظریه تفصیلی خود می شود. از لایه لای کلام شیخ به دست می آید که اصحاب ما به خبر راویانی که مبتلا به خطا در عقیده بوده اند، عمل می کردند.

۶۴- چرا دلالت لفظ ثقه به نحو اطلاق و بدون قرینه بر امامی بودن راوی ثابت نیست؟ همراه با مثال توضیح دهید.

زیرا ثقه یک معنا دارد و آن عبارت است از شخصی که در عمل مورد نظر، مورد وثوق و اطمینان است. از این رو وثاقتی که از پزشکان انتظار می رود، غیر از وثاقتی است که از راویان حدیث انتظار می رود، و منظور از آن در مورد پزشکان این است که در محدوده شغلی خود امین باشند و معنای آن در مورد راویان این است که راوی حدیث در نقل حدیث مورد اطمینان باشد و نفس انسان وقتی به وجود مقدمات باز دارنده از دروغ در راوی پی می برد، به خبر او اعتماد می کند.

۶۵- نظر علامه مامقانی و محقق بهبهانی در مورد لفظ ثقه به نحو اطلاق چیست؟

علامه مامقانی در کتاب «مقیاس الهدایه» از یکی از معاصرین خود نقل کرده اند که وی جزم داشته که منظور از استعمال لفظ ثقه، امامی بودن راوی است. همان گونه که از محقق بهبهانی نقل شده است که این لفظ بر دلالت عدالت راوی دلالت می کند. البته کلام این دو بزرگوار به جای حمل می شود که در کلام قرینه دال بر این دو قید وجود داشته

باشد. وگرنه در غیر این صورت اگر به شکل مطلق ذکر شود، معنای دیگر غیر از معنایی که نزد عرف و اهل لغت متبادر است، نمی فهماند.

۶۶- چرا تفسیر عبارت « عن یوثق به » به امامی راستگو یا امامی عادل، نیازمند وجود قرینه است؟

معلوم نیست معنای ثقه در کلام قدهاء که شیخ در عبارت خود نقل می کند. غیر از معنای متبادر نزد عرف باشد آنجا که می فرماید: « علمای شیعه بین روایات محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر و دیگر ثقاتی که معروفند که تنها از ثقه روایت و ارسال می کنند، و بین روایاتی که به نحو اسناد روایت می کنند، تفاوتی قائل نیستند. » بنابراین، تفسیر عبارت « عَنْ یُوثِقُ بِهِ » به « امامی راستگو » یا « امامی عادل » نیازمند وجود قرینه است.

۶۷- آیا مراد از ثقه در عبارت « لِأَنَّهُمْ لَا يَرْوُونَ وَلَا يُرْسِلُونَ إِلَّا عَنْ ثِقَّةٍ » همان ثقه به معنای اخصی است؟

از بعضی از عبارتهای شیخ به دست می آید نظریه اصحاب و علمای شیعه نیز همین تفصیلی است که شیخ خودش اختیار کرده است. با این همه، ما مطمئن نیستیم که نظری که او اختیار کرده است، قدمای اصحاب نیز آن را پذیرفته باشند. بنابراین نظریه شیخ در حجیت خبر واحد قرینه نمی شود که مراد از ثقه در عبارت اصحاب « لِأَنَّهُمْ لَا يَرْوُونَ وَلَا يُرْسِلُونَ إِلَّا عَنْ ثِقَّةٍ »، همان ثقه به معنای اخصی باشد، مگر آنکه ثابت شود نظر شیخ در حجیت خبر واحد با نظر اصحاب یکی است. *در روایت دیگر آمده که شیخ در مورد خبر واحد با روایتی در این مورد اخصی نخواهد بود.*

سؤال امتحانی در شهریور ۸۰ و خرداد ۸۵

۶۸- آیا توثیق مشایخ الثقات شامل همه اسانید یا اسانید بسلا

واسطه می شود؟ توضیح دهید.

ظاهر آن است که توثیق مشایخ الثقات، تنها شامل شخص مرسلی است که بدون واسطه از او نقل می کنند. مثال: « ... عن ابن ابی عمیر ممن ذکره عن ابی عبد الله علیه السلام ... » بنابراین شامل افراد با واسطه نمی شود. مثال « ... عن ابن ابی عمیر عن الحسن بن عثمان (واسطه و در واقع مرسل) عن رجل (شخص مرسل) عن ابی عبد الله علیه السلام ... ». به عبارت دیگر در این مثال اخیر، این « حسین بن عثمان » که مرسل است و روایتش ارسال دارد و نظر به اینکه او از مشایخ ثقات نیست، پس روایتش موثق نخواهد بود.

سؤال امتحانی در اسفند ۹۳

۶۹- علی رأی المصنف، قاعدة « لا برون و لا یرسلون إلا عن ثقه »

- أ. متروضة بتلقهم عن الضعيف في الرواية و الاعتقاد
- ب. غير متروضة بتلقهم عن الضعيف في الرواية و الاعتقاد جميعاً
- ج. متروضة بتلقهم عن الضعيف في الرواية فقط
- د. غير متروضة بتلقهم عن الضعيف في الرواية فقط

۷۰- مشایخ واقفی مذهب ابن ابی عمیر چند نفر هستند؟ نام ببرید. *ابراهیم بن عبد الحمید اسدی ۷- موسی بن بکر ۳- محمد بن سنان بن سدید ۵- سماعه بن منصور ۴- عثمان بن عیسی*

- ۱- ابراهیم بن عبد الحمید اسدی
- ۲- حسین بن مختار
- ۳- حنان بن سدید
- ۴- داود بن حصین
- ۵- درست بن ابی منصور
- ۶- زکریا مؤمن
- ۷- زیاد بن مروان قندی
- ۸- سماعه بن مهران
- ۹- سیف بن عمیره
- ۱۰- عثمان بن عیسی
- ۱۱- محمد بن اسحاق بن عمار
- ۱۲- منصور بن یونس بزرج
- ۱۳- موسی بن بکر

۷۱- مشایخ فطحی مذهب ابن ابی عمیر چند نفر هستند؟ نام ببرید.

مشایخ فطحی مذهب ایشان عبارتند از:

- ۱- اسحاق بن عمار ساباطی
- ۲- اسماعیل بن عمار
- ۳- یونس بن یعقوب
- ۴- عبدالله بن بکر
- ۱۸- خالد بن نجیح جوان

۷۲- ابن ابی عمیر از چند نفر از علمای اهل سنت روایت نقل کرده است؟ نام ببرید.

ابن ابی عمیر از تعدادی از اهل سنت نیز روایت کرده است. اسامی برخی از آنها عبارت است از:

۱- مالک بن انس.

۲- محمد ابن یحییٰ خنعمی.

۳- محمد ابن عبدالرحمن بن ابی لیلی قاضی معروف.

۴- ابو حنیفه.

۷۳- قدر متیقن از التزام و تعهد ابن ابی عمیر به عدم نقل روایت از غیر ثقه و ثقه چیست؟

قدر متیقن از التزام و تعهد ابن ابی عمیر، مسلم به عدم نقل روایت از غیر ثقه این است که بدون واسطه از غیر ثقه نقل نکنند و التزام وی به ثقه بودن کسانی که با واسطه از آنها روایت نقل می‌کند نیز از عبارت شیخ استفاده نمی‌شود. از این رو اگر در موردی ثابت شود که ایشان به واسطه راوی ثقه از فرد غیر ثقه روایت نقل کرده‌اند، نقیض قاعده به حساب نمی‌آید.

۷۴- حجیت و اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر در چه موردی است؟

حجیت و اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر تنها در جایی است که آن را به یک واسطه ارسال نموده باشند مانند این که اینگونه بگوید: عن رجل عن ابی عبدالله علیه السلام، بنابراین تمسک به مراسیلی که ارسال آن به دو واسطه است، مشکل است.

۷۵- از اموری که روشن می‌شود که مرحوم شیخ بر اساس اجتهاد خود تسویه (مساوی بودن اصحاب بین راویان مرسل

این سه نفر ابن ابی عمیر، صفوان و بزئطی) را به اصحاب امامیه نسبت داده است، چیست؟

از اموری که روشن می‌کند که مرحوم شیخ بر اساس اجتهاد خود این تسویه را به اصحاب امامیه نسبت داده است، این است که خود ایشان در برخی موارد روایت ابن ابی عمیر را به خاطر مرسله بودن آنها رد می‌کند.

۷۶- اگر تسویه (مساوی بودن اصحاب بین راویان مرسل این سه نفر ابن ابی عمیر، صفوان و بزئطی) مورد قبول همگان

بود حداقل در کلام یکی از قداما ذکر می‌شد و حال آنکه در کلمات آنان هیچ اثری از آن نیست، چرا؟

زیرا ادعای مذکور در صورتی تمام است که کتابهای رجالی آنها که محل ذکر این گونه مطالب است، به ما رسیده باشد و حال آن که غیر از کتاب کشی و رجال برقی، کتاب دیگری به دست ما نرسیده است. با توجه به این امر، چگونه می‌توان گفت که در کتب قداما اثری از این مطلب نیست. علاوه بر آن، ممکن است شیخ طوسی آن را از کتابهای فقهی ای که به ما نرسیده است، استنباط کرده باشد، به این صورت که دیده است که فقهای ما با مراسیل آنان در مواردی که خالی از معارض هستند، همانند مسانید دیگران رفتار می‌کنند، و یا اگر در مقابل آنها خیر مخالفی بوده، با آن معامله معارض می‌کنند.

۷۷- شیخ قاعده تسویه را به این سه نفر «ابن ابی عمیر، صفوان و بزئطی» اختصاص نداده است بلکه آن را به هر فرد

موتقی که به روایت از ثقه معروف است تعمیم داده است «منظور از تعمیم در این عبارت چیست؟

منظور شیخ از تعمیم به افراد دیگر، همان افرادی هستند که معروف شده‌اند که فقط از ثقه روایت می‌کرده‌اند. هر کس در معجم‌ها و فهرست‌های رجالی تحقیق کند در می‌یابد که افرادی هستند که سبک آنها در روایت این بوده است که تنها از ثقه روایت نقل کنند و لذا نقل از ضعیف و غیر ثقه را از موارد ضعف راوی شمرده، و مثلاً می‌گویند: احمد بن محمد بن خالد برقی ثقه است و لکن از راویان ضعیف نیز روایت نقل می‌کند.

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۴)

۷۸ -

با توجه به عبارت: «إن إثبات أن هؤلاء لا يروون ولا يرسلون إلّا عن ثقة دونه خبط القناد، فإن الطريق إليه إما تصريح نفس الراوى بأنه لا يروى و لا يرسل إلّا عنه أو التبع فى مسانيدهم و مشايخهم و عدم العثور على رواية هؤلاء عن ضعيف. أما الأول فلم ينسب إلى أحد من هؤلاء إخباره و تصريحه و أما الثانى فغايته عدم الوجدان وهو لا يدل على عدم الوجود على أنه لو تم فإنما يتم فى المسانيد دون المراسيل»، **دومین راه اثبات «أن هؤلاء لا يروون...» را با دو اشکال آن بنویسید.**

اشکال اول: لولا هیچ کدام از این افراد چنین ادعایی (که فقط از ثقة روایت و ارسال می کنند) نداشتند.

اشکال: نیافتن روایت منقول از ضعیف، در میان اخباری که نقل کرده اند، دلیل عدم وجود آن نیست، تازه هم اگر

دلالت بر عدم نقل از ضعیف بکند، این دلالت در محدوده مسند های آن هاست و دلیل نمی شود که عدم نقل از ضعیف

در مراسیل آنها نیز صادق باشد.

(سؤال امتحانی در شهریور ۸۴ و خرداد ۸۶)

۷۹ - با آنکه مرحوم شیخ، مراسیل مشایخ ثلاثه را در کتاب

«العهده» معتبر دانسته است چرا در تهذیب به این مراسلات عمل نکرده است؟

شیخ در مواردی از کتاب تهذیب و استبصار، با مراسیل مشایخ ثلاثه مخالفت کرده است؛ زیرا که مرحوم شیخ طوسی این

دو کتاب را در اوایل جوانی خود نوشته است و در آن وقت با شیوه اصحاب در برخورد با مراسیل این افراد آشنا نبوده است

و لذا مراسیل آنها را به این دلیل که دارای ارسال هستند، رد کرده است. اما پس از ممارست با کتابهای رجالی و فقهی

امامیه، با شیوه آنان آشنا شده و کتاب عده را در عصر سید مرتضی در حالی که بیش از پنجاه سال سن داشت و با فقه

رجال به طور کامل آشنایی داشت، نوشت.

۸۰ - چند نفر از ضعیف ترین مشایخ این ابی عمیر را به نقل نویسنده کتاب معجم الرجال نام ببرید؟

نویسنده کتاب معجم الرجال تعداد چهار نفر از مشایخ این ابی عمیر را که ضعیف هستند، نام می برد. آنها عبارتند از:

علی بن ابی حمزه بطنانی، یونس بن ظبیان، علی بن حدید، و حسین بن احمد مقری.

(سؤال امتحانی در شهریور ۹۰)

۸۱ - آیا نقل ابن ابی عمیر از علی بن ابی جعفر البطنانی از موارد نقض

قاعده «لا يروون و لا يرسلون إلّا عن ثقة» است؟ چرا؟

خیر؛ زیرا علی ابن ابی حمزه بطنانی واقفی و ضعیف المذهب بوده، اما بنا بر اقوی در نقل حدیث ضعیف نبوده است. و

منظور از ثقة در عبارت کشتی همان ثقة در نقل روایت است و ثقة در نقل روایت هم با مسلمان بودن و پرهیز از کذب در

روایت حاصل می شود.

۸۲ - نظر مؤلف درباره علی بن ابی حمزه بطنانی چیست؟

مؤلف می نویسد: اگر چه علی ابن ابی حمزه بطنانی واقفی و ضعیف المذهب بوده، اما بنا بر اقوی در نقل حدیث ضعیف

نبوده است. و اشکالی که بر او وارد شده است یک اشکال اعتقادی است به این معنا که او در امامت موسی بن جعفر علیه

السلام توقف کرده و به امامت امام رضا علیه السلام اعتقاد نداشت، ولی در نقل حدیث اشکال و ایرادی بر او وارد نشده

است و لذا می توان او را در نقل روایت، ثقة دانست، و روشن است منظور از ثقة در عبارت کشتی همان ثقة در نقل روایت

است و ثقة در نقل روایت هم با مسلمان بودن و پرهیز از کذب در روایت حاصل می شود. و امامی بودن شرط ثقة بودن

راوی نیست. بنابراین وجود ایشان موجب نقض قاعده نیست.

(سؤال امتحانی در خرداد ۹۳)

۸۳ - عبارت «إن علی بن ابی حمزة البطنانی من الواقفة و هو ضعیف المذهب

و لیس ضعیفاً فی الحدیث و هو مطعون لأجل وقفه و لیس مطعوناً من جانب النقل و الروایة و علی ذلك فالتقص غیر

تام» را توضیح داده، منظور از «فالتقص غیر تام» را بیان کنید.

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل بیان شده است.

۸۴- نظر مؤلف درباره نقل عیاشی در مورد ابن ابی حمزه که گفته است: او کذاب و ملعون است، چیست؟

آنچه که در حق ابن ابی حمزه از عیاشی نقل شده که او کذاب و ملعون است، مربوط به پسر اوست، یعنی پسر علی بن حمزه که حسن ابن علی است، نه خود او، چنانکه صاحب معالم در حاشیه کتاب التحریر الطاووسی چنین استظهار کرده است، و ابن ابی حمزه مشترکاً هم در مورد پدر و هم پسر استعمال می شود.

۸۵- دو شاهد بیان کنید که ابن ابی حمزه مشترکاً هم در مورد پدر و هم پسر استعمال می شود؟

۱- کثیری در شرح حال حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی نقل کرده است که عیاشی در مورد او آورده است: از علی بن حسن بن فضال در باره حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی پرسیدم، گفت: «او دروغگو و ملعون است. و روایات بسیاری از او نقل شده است.» از این رو قطعاً چنین سخنی در مورد پدر صحیح نیست. و ظاهر کلام نجاشی نیز همین است، زیرا طعن ابن فضال را در شرح حال حسن که پسر است، آورده است.

۲- علی بن ابی حمزه، چند سال قبل از تولد علی بن حسن فضال فوت نموده است، حال چگونه ممکن است احادیث و تفسیر قرآن را از اول تا آخر از او نقل کند. اشتباه از آنجا ناشی شده است که کثیری یک بار او را در شرح حال پدر و بار دیگر در شرح حال پسر ذکر کرده است.

۸۶- نظر مؤلف درباره علی بن ابی حمزه چیست؟

مؤلف می نویسد: در این موارد و موارد مشابه آن احتمال می رود که وقتی که علی بن ابی حمزه اعتقادات درستی داشته است، ابن ابی عمیر از او روایت نقل کرده است، چرا که هر کدام از استاد و شاگرد، عصر امام کاظم علیه السلام را درک کرده اند و ابن ابی حمزه مورد وثوق و اطمینان آن حضرت بوده است و روایات فراوانی را وقتی که صحیح المذهب بوده است، از ایشان گرفته و پس از بروز انحراف اعتقادی، آنها را نقل کرده است. البته اگر ابن ابی عمیر زمان امام کاظم علیه السلام را درک نمی کرد و نقل او منحصر به امام رضا علیه السلام می بود، جای نقض قائده می بود.

۸۷- چرا واقفی بودن علی بن حمزه مسلم نیست؟

زیرا ادله ای که علیه علی بن حمزه وارد شده است، با ادله ای که همانند و یا بهتر از آن است تعارض دارد.

۸۸- نظر نجاشی درباره یونس بن ظبیان چیست؟

نجاشی می نویسد: یونس بن ظبیان جداً ضعیف است، به روایات او اعتناء نمی شود، و تمام نوشته های او به باطل آمیخته است.

۸۹- کاظمی در کتاب «تکمله» درباره یونس بن ظبیان چه می نویسد؟

کاظمی در تکمله می نویسد: علمای رجال در مذمت یونس بن ظبیان مبالغه کرده اند و نسبت دروغ، ضعف، تهمت، غلو و جعل حدیث به او داده اند و نقل کرده اند که امام رضا علیه السلام او را لعن کرده است.

۹۰- جواب هایی که به نظریه کاظمی در مورد یونس بن ظبیان بیان شده است، بنویسید؟

چند جواب می توان از نظریه کاظمی درباره یونس بن ظبیان داد:

جواب اول: ظاهراً هر گاه یک روایت را محمد بن ابی عمیر تنها نقل کند، از غیر تقه نقل نمی کند، و بر این اساس ایشان فقط همین حدیث را که گذشت، از یونس بن ظبیان نقل کرده است. اما در غیر این صورت مانند این که روایتی را هم راوی تقه و هم راوی غیر تقه نقل کرده باشند، ایشان روایت را به عنوان تأیید خبر، از هر دو نفر نقل می کنند.

جواب دوم: احتمال دارد که در روایت مذکور، واسطه ای بین ابن ابی عمیر و یونس بوده که حذف شده است، یعنی روایت مرسل است، چرا که یونس، در زمان حیات امام صادق علیه السلام فوت نموده است و خود امام علیه السلام در سال ۱۲۸ هجری از رجال نموده است، از این رو بعید است که ابن ابی عمیر که در سال ۲۱۷ فوت کرده است، از مثل او روایت نقل کند. مگر آنکه بگوییم ابن ابی عمیر دارای عمر طولانی بوده و توانسته است از آن دسته از شاگردان امام صادق

علیه السلام که در زمان حیات حضرت فوت کرده اند ، روایت نقل کند ، ولی چنین عمر طولانی برای او به اثبات نرسیده است .

جواب سوم : ضعف یونس به اثبات نرسیده است ، البته نه به خاطر روایت کشی از هشام بن سالم (که از امام صادق علیه السلام در مورد یونس بن ظبیان سوال کرده و امام علیه السلام فرموده اند : خداوند او را رحمت کند و خانه ای در بهشت به او عطا فرماید . به خدا سوگند ، او امین در حدیث بود) چرا که سند آن به خاطر وجود « ابن هروی » که مجهول است و کشی نیز به آن تصریح کرده است ، ضعیف است ، بلکه به خاطر روایت بزنتلی که همان خبر را در جامع خود به سند صحیح نقل کرده است و ابن ادریس نیز آن را در مسطرفات خویش آورده است .

۹۱- نظر نویسنده معجم الرجال الحدیث در مورد روایت « شیخ از موسی بن قاسم از صفوان و ابن ابی عمیر از برید و یا یزید و یونس بن ظبیان » که آن را به این دلیل که طریق ابن ادریس به جامع بزنتلی مجهول است « ضعیف دانسته است و در نتیجه هر دو طریق این روایت (از طریق کشی و جامع بزنتلی) ضعیف می شود « نا تمام است چرا ؟

زیرا که جامع بزنتلی همچون سایر جوامع ، از کتب مشهوری است که انتساب آن به مؤلفش قطعی است و از کتب مجهول نیست ، تا نیازمند طریق صحیح به مؤلف آن باشد . کتاب مذکور قبل از تألیف جوامع ثانوی مثل کافی و مانند آن مرجع شیعه بوده و شیعیان به آن رجوع می کرده اند .

۹۲- نظر شیخ در رجال و فهرست خود درباره علی بن حدید چیست ؟

شیخ در رجال خود ، علی بن حدید را از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام ذکر کرده است . همچنین در فهرست نوشته است که او دارای کتاب است .

۹۳- کشی در رجال خود درباره علی بن حدید چه عقیده ای دارد ؟

کشی نیز در رجال خود نوشته است : او فطحی مذهب ، و از اهل کوفه بود و امام رضا علیه السلام را درک کرده است .

۹۴- علامه در کتاب خلاصه خود درباره علی بن حدید چه نظری دارد ؟

علامه نیز در بخش دوم از خلاصه اش می نویسد : شیخ در استبصار و تهذیب ، علی بن حدید بن حکیم را تضعیف نموده است و نقل او در صورتی که فقط او ناقل خبر باشد ، قابل اعتناء نیست .

۹۵ - با توجه به عبارت « قال العلامة فی القسم الثانی من الخلاصة :

علی بن حدید بن الحکیم ضعفه شیخنا فی کتاب الاستبصار و التهذیب لا یعول علی ما یفرد بنقله ، آیا عبارت « لا یعول علی ... » دلالت بر ضعف می کند ؟ توضیح دهید .

بلی ! اگر وثاقت شخص علی بن حدید بن حکیم ثابت بود ، خبر او منفرداً نیز صحیح بود . در حالی که شیخ در استبصار و تهذیب ، علی بن حدید بن حکیم را تضعیف نموده است و نقل او در صورتی که فقط او ناقل خبر باشد ، قابل اعتناء نیست .

۹۶- طبق نظر نویسنده ، شیخ در دو جای کتاب استبصار ، علی بن حدید را تضعیف کرده است ، آن دو محل را بیان کنید .

یکی درباره چاهی که موش و غیره در آن افتاده باشند . در آنجا از احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حدید از بعضی از اصحاب نقل کرده است که گفت : با امام علیه السلام در راه مکه همراه بودم . تا اینکه به چاه ابی رسیدیم . غلام حضرت خواست با سطل از آن آب بر دارد . در این هنگام دو موش از آن خارج شدند .

سپس شیخ می نویسد : اولین اشکال بر این خبر ، مرسل بودن آن است . راوی آن نیز ضعیف است و این امر موجب تضعیف استدلال به آن خبر است .

دومی : در باب تهی از بیع نسیمه طلا و نقره ، در ذیل حدیث عباد می نویسد : اما روایت زراره ، در طریق آن علی بن حدید وجود دارد و او جداً ضعیف است ، لذا روایتی که فقط او ناقل آن است ، قابل اعتناء نیست .

۹۷- به دو صورت از تضعیف شیخ در استبصار در مورد علی بن حدید می توان جواب داد، آن دو صورت را بیان کنید.
به دو صورت می توان از تضعیف شیخ در استبصار جواب داد:

جواب اول: ضعف علی بن حدید ثابت نشده است، بلکه از روایت کشی، وثاقت او بدست می آید. وی در شرح حال هشام بن حکم می نویسد: علی بن محمد از احمد بن محمد از علی بن راشد از ابو جعفر ثانی علیه السلام نقل کرد که گفت: فدایت شوم! اصحاب ما دچار اختلاف شده اند. آیا می توانم پشت سر هشام نماز بخوانم؟ فرمودند: بر تو باد به علی بن حدید. عرض کردم. آیا گفتارش را قبول نمایم؟ فرمودند: آری. پس از آن رفتم و با علی بن حدید ملاقات کردم و از آن همان پرسش را پرسیدم. او گفت: نماز نخوان.

جواب دوم: وجود اشتباه در سند روایت است، چرا که ظاهراً لفظ «عن علی بن حدید» اشتبهاً به جای عبارت «و علی بن حدید» به کار رفته است.

۹۸- مؤیدی را بیان کنید که علی بن حدید فرد مورد وثوق بوده است؟

ممکن است وجود علی بن حدید در میان رجال کتاب «کامل الزیارات» تأییدی بر وثاقت او باشد، زیرا که نویسندگان آن، یعنی ابن قولوله در ابتدای کتاب خود تصریح می کند که در این کتاب تنها از افراد ثقه نقل روایت کرده است. مؤید دیگر وثاقت او این است که وی از رجال تفسیر قمی است که در آغاز تفسیرش تصریح کرده است که همه رجال وی ثقه است.

۹۹- با توجه به عبارت «روی الشيخ عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير

(سؤال امتحانی در مرداد ۹۴)

عن علی بن حدید عن جمیل بن دراج عن ... أحدهما فی رجل کانت له جاریة فوطئها ثم اشتری أمها أو ابنتها؟ قال: «لا تحلّ له». قيل هذه الرواية نقض لقاعدة أصحاب الإجماع لضعف علی بن حدید و لكن الحق عدم النقض لوجود التصحيف فی سند الرواية و الظاهر أن لفظة «عن علی بن حدید» مصحح «و علی بن حدید» و يدلّ علیه كثرة رواية ابن أبي عمير عن جمیل بلا واسطة و أيضاً وحدة طبقتهم لأن الرجلین فی طبقة واحدة من أصحاب الکاظم و الرضا و أيضاً لم يوجد لابن أبي عمير أي رواية عن علی بن حدید فی الكتب الأربعة غیر هذا المورد»، مدعا، اشکال و مؤیدات اشکال را تبیین کنید.

مدعا: شیخ از حسین بن سعید از ابن ابی عمیر از علی بن حدید از جمیل بن دراج از بعضی اصحاب از امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام نقل کرده است که درباره مردی که با کنیز خود همبستر می شود و سپس مادر و یا دختر آن کنیز را خریداری می کند، سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: بر او حلال نیست.

اشکال: اولین اشکال بر این خبر، مرسل بودن آن است. راوی آن نیز ضعیف است و این امر موجب تضعیف استدلال به آن خبر است.

جواب اول از اشکال: ضعف علی بن حدید ثابت نشده است، بلکه از روایت کشی، وثاقت او بدست می آید.

مؤیدات: ممکن است وجود او در میان رجال کتاب «کامل الزیارات» تأییدی بر وثاقت او باشد، چرا که نویسندگان آن، یعنی ابن قولوله در ابتدای کتاب خود تصریح می کند که در این کتاب تنها از افراد ثقه نقل روایت کرده است. مؤید دیگر وثاقت او این است که وی از رجال تفسیر قمی است که در آغاز تفسیرش تصریح کرده است که همه رجال وی ثقه است. جواب دوم: وجود اشتباه در سند روایت است، چرا که ظاهراً لفظ «عن علی بن حدید» اشتبهاً به جای عبارت «و علی بن حدید» به کار رفته است.

مؤید: در کتب اربعه، روایت دیگری برای ابن ابی عمیر از علی بن حدید دیده نشده است. این مطلب از تفصیل طبقات راویان معجم الرجال نیز استفاده می شود. این امر مؤید آن است که علی بن حدید باید به ابن ابی عمیر عطف می شد و این که وی شیخ و استاد ابن ابی عمیر نبوده است، چرا که اگر شیخ او می بود تنها به نقل یک روایت از او اکتفا نمی کرد.

۱۰۰- توثیقات عمومی در چه زمانی حجت هستند؟

توثیقات عمومی زمانی حجت هستند که حجت صریح دیگری با آن تعارض نکند.

۱۰۱- چرا تضعیف شیخ در نقل کشی مقدم است؟

زیرا در سند روایت کشی ضعف وجود دارد.

۱۰۲- جواب دومی که به تضعیف شیخ در استبصار در مورد علی بن حدید بیان شده، این است که «وجود اشتباه در سند روایت است، چرا که ظاهراً لفظ «عن علی بن حدید» اشتباهاً به جای عبارت «و علی بن حدید» به کار رفته است» دلایل آن را بیان کنید؟

۱- روایت بلا واسطه ابن ابی عمیر از جمیل زیاد است. در معجم الرجال الحدیث آمده است: و روایات ابن ابی عمیر از جمیل بیش از ۲۹۸ مورد است. از این رو بسیار بعید است که ابن ابی عمیر با این همه روایات بلا واسطه از جمیل، روایتی را با واسطه از جمیل نقل کند و لذا شما در میان کتب حدیثی، روایت دیگری که ابن ابی عمیر با واسطه از جمیل نقل کرده باشد، نمی یابید.

۲- طبقه آن دو یکی است، چرا که هر دو نفر در یک طبقه و از اصحاب امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام رضا علیه السلام هستند و نجاشی بر روایت علی بن حدید از امام موسی بن جعفر علیه السلام تصریح نموده است.

۳- در کتب اربعه، غیر از این روایت، روایت دیگری برای ابن ابی عمیر از علی بن حدید دیده نشده است. این مطلب از تفصیل طبقات راویان معجم الرجال نیز استفاده می شود. این امر مؤید آن است که علی بن حدید باید به ابن ابی عمیر عطف می شد و این که وی شیخ و استاد ابن ابی عمیر نبوده است، چرا که اگر شیخ او می بود تنها به نقل یک روایت از او اکتفا نمی کرد.

۱۰۳- در این روایت «کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از حسین بن احمد منقری (از عیسی ضریر) نقل کرد که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی عمداً شخصی را کشته است، توبه او چیست؟» تصور می شود که مراد از حسین همان محسن بن احمد است ولی این تصور باطل است، چرا؟

زیرا محسن از هم دوره های بن ابن عمیر و از اصحاب امام رضا علیه السلام و نیز از مشایخ احمد بن محمد بن خالد است که بدون واسطه از ابن ابی عمیر روایت نقل می کند، در این صورت چگونه ابن ابی عمیر می تواند از محسن روایت نقل کند؟

۱۰۴- نجاشی در مورد حسین بن احمد منقری چه عقیده ای دارد؟

نجاشی می نویسد: حسین بن احمد منقری تمیمی ابو عبدالله از امام صادق علیه السلام روایت شاذ و نادری را که ثابت نشده است، روایت کرده است. و نوشته اند که او ضعیف است. و از داود رقی بسیار روایت نقل کرده است و دارای کتاب است.

۱۰۵- عقیده شیخ در مورد حسین بن احمد منقری چیست؟

شیخ در فهرست خود می نویسد: حسین بن احمد منقری دارای کتاب است. ما آن را نقل کرده ایم و همچنین وی در رجال خود، او را از اصحاب امام باقر علیه السلام و از اصحاب امام کاظم علیه السلام شمرده است و گفته است که او ضعیف است.

۱۰۶- ظاهراً ضعف حسین بن احمد منقری به عقیده اش بر می گردد نه به روایت او، دلیل این امر را بیان کنید؟

دلیل این امر دو چیز است:

۱- نجاشی وی را این چنین توصیف کرده است: «از داود رقی بسیار نقل کرده است.»

۲- شیخ طوسی داود رقی را در ردیف اصحاب امام کاظم علیه السلام ذکر کرده و می گوید: « داود رقی برده آزاد شده بنی اسد، ثقه و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. » با این حال ابن غضائری در مورد او می گوید: داود بن کثیر بن ابی خالد رقی آزاد شده بنی اسد، از امام صادق علیه السلام روایت نقل می کند. مذهب او فاسد و روایت او نیز ضعیف است و قابل اعتناء نیست.

۱۰۷- طعن حسین بن احمد منقری به چه علت بوده است؟

طعن او به خاطر عدم وثاقت او در حدیث نیست، بلکه طعن و عیب به او به خاطر غلو او در عقیده اش است. و ریشه آن هم به خاطر روایات فراوانی است که از داود رقی نقل کرده است. و این با وثاقت او در نقل حدیث که ابن ابی عمیر ملتزم بوده که فقط از ثقه نقل کند، منافات ندارد.

۱۰۸- صاحب مشایخ الثقات کسانی را که ضعف آنها ثابت شده چند تن ذکر کرده است بنویسید؟

صاحب مشایخ الثقات کسانی را که ضعف آنها ثابت است، پنج تن ذکر کرده است که عبارتند از:

۱- حسین بن احمد منقری ۲- علی بن حدید ۳- یونس بن ظبیان ۴- ابوالبختری وهب بن وهب ۵- عمرو بن جمیع

۱۰۹- نجاشی در مورد ابوالبختری وهب بن وهب عامی چه می نویسد؟

نجاشی می نویسد: « وهب بن وهب ابوالبختری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و بسیار دروغگو بوده است و سخنان دروغ با رشید دارد.

۱۱۰- سعد در مورد ابوالبختری وهب بن وهب عامی چه عقیده ای دارد؟

سعد در مورد ابوالبختری وهب بن وهب عامی گفته است: امام صادق علیه السلام با مادرش ازدواج کرده بود. وی دارای کتابی است که گروهی آن را نقل می کنند. پس از آن سعد سند خود را به او ذکر کرده است.

۱۱۱- با توجه به عبارت « من النقوض المدعاة علی قاعدة مشایخ الثقات روایة (سؤال امتحانی در اسناد ۱۲) »

ابن ابی عمیر عن ابی البختری وهب بن وهب عامی و هو علی ما ذکره النجاشی کان کذاباً و له أحادیث مع الرشید فی الکذب ولكن یمکن التخصص عنه بوجهین: الأول: کون الرجل ثقة عند ابن ابی عمیر وقت تحمل الحدیث و هذا کاف فی العمل بالإلتزام المنقول عن المشایخ بأنهم لا یروون إلا عن ثقة و الثانی: أن أبا البختری کان عامیاً و من المحتمل أن یکون التزم المشایخ راجعاً إلى أبواب العقائد، نقض مذکور و دو اشکال آن را توضیح دهید.

نقض: نجاشی می نویسد: « وهب بن وهب ابوالبختری از امام صادق علیه السلام روایت نقل کرده است و بسیار دروغگو بوده است و سخنان دروغ با رشید دارد.

اشکالات نقض: نویسنده می نویسد: از دو طریق می توان از این نقض، رهایی یافت:

طریق اول: آن هنگام که ابن ابی عمیر روایت را از ابی البختری گرفته است، وی از نظر ابن ابی عمیر ثقه بوده است و همین مقدار در عمل به التزام ابن ابی عمیر که تنها از ثقه روایت نقل می کند کافی است.

طریق دوم: ابوالبختری سنی است و لذا احتمال دارد که تعهد مشایخ در نقل روایت از ثقه تنها در محدوده عقاید و احکام شرعیه بوده است، و امور مربوطه به مستحبات نماز باران از موارد این تعهد و التزام نیست؛ چرا که در نقل این احادیث هیچ خطری وجود ندارد.

۱۱۲- طبق نظر نویسنده از دو طریق می توان از نقض در مورد ابوالبختری وهب بن وهب عامی رهایی یافت آن دو

طریق را بیان کنید؟

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل توضیح داده شده است.

۱۱۳- عقیده نجاشی درباره عمرو بن جمیع زیدی بتوی چیست؟
 نجاشی می نویسد: « عمرو بن جمیع ازدی بصری ابو عثمان قاضی ری ، ضعیف است . نزد او نسخه ای است که سهل بن عامر از آن روایت کرده است . سپس سند خود را به کتاب او آورده است .

۱۱۴- مؤلف کتاب کلیات علم الرجال درباره روایت عمرو بن جمیع زیدی بتوی چه می نویسد؟
 برای ابن ابی عمیر روایتی از عمرو بن جمیع زیدی بتوی در کتب اربعه ذکر نشده است . و فقط صدوق در معانی الاخبار دو روایت از او نقل کرده است .

۱- صدوق در معانی الاخبار از احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از علی بن ابراهیم از پدرش از محمد بن ابی عمیر از عمرو بن جمیع نقل کرده است که گفت : امام صادق علیه السلام فرمود : روی ران نستین در بین دو سجده در نماز اشکال ندارد .

۲- صدوق به همان سند نقل کرد که امام صادق علیه السلام از پدرتان و ایشان نیز از پدرشان به من فرمودند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود : هر گاه نحوه راه رفتن است من متکبرانه گردد و نیز خدمت گذاران آنها فارس و روم باشند بین آنان جنگ واقع خواهد شد .

۱۱۵- اگر برداشت ما از کتاب « عده » این باشد که مشایخ روایت منعقد بوده اند که از غیر از امامی تقه روایت نقل نکنند

دو اشکال وارد است آن دو اشکال را بیان کنید؟

یکی از جهت مذهب ابوالیختری که سنی مذهب است و مذهب عمرو بن جمیع که بتوی است ، و دیگری از جهت وثاقت ، نقض وارد است ؛ زیرا هر دو نفر ضعیف هستند .

۱۱۶- مؤلف کتاب کلیات علم الرجال تقض های دیگری بر قاعده « لا یرون و لا یرسلون إلا عن ثقة » وارد کرده و اشخاصی را شمرده اند ، آنها را نام ببرید؟

۱- یونس بن ضبیان ؛ ۲- علی بن ابی حمزه ؛ ۳- علی بن حناده ؛ ۴- ابی جمیل ؛ ۵- عبدالله بن قاسم حضرمی .

۱۱۷- عقیده نجاشی درباره عبدالله بن قاسم حضرمی چیست؟

نجاشی می نویسد : عبدالله بن قاسم حضرمی معروف به بطل ، بسیار دروغگو است ، و از اهل غلو روایت نقل می کند . خبری در او نیست و روایات او قابل اعتماد نیست . وی دارای کتابی است که جمعی از او روایت کرده اند .

۱۱۸- نظر شیخ در کتاب فهرست و رجال درباره عبدالله بن قاسم حضرمی چیست؟

شیخ طوسی نیز نام عبدالله بن قاسم حضرمی را در فهرست آورده و چنین نوشته است : « او دارای کتاب است » و سپس سند خود را به آن کتاب ذکر کرده است . وی همچنین او را در کتاب رجال در ردیف اصحاب امام کاظم علیه السلام عنوان کرده و می نویسد : عبدالله بن قاسم حضرمی واقعی مذهب است .

۱۱۹- این غضائری در رابطه با عبدالله بن قاسم حضرمی چه می نویسد؟

ابن غضائری در رابطه با عبدالله بن قاسم حضرمی می نویسد : عبدالله بن قاسم حضرمی کوفی و ضعیف و اهل غلو ، گفتارش متناقض است و حدیث به واسطه او به امام متصل نمی شود .

۱۲۰- نجاشی درباره صفوان بن یحیی چه می نویسد؟

نجاشی می نویسد : « صفوان بن یحیی بعلی بناع سائری کوفی ، بسیار تقه و سرشناس و بزرگوار است . پدر وی از امام صادق علیه السلام و خودش از امام رضا علیه السلام روایت نقل نموده اند و نزد امام منزلت شریفی داشت . کشی او را در ردیف رجال امام موسی کاظم علیه السلام ذکر کرده است . وی وکیل امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام بود .

وی همچنین در ادامه می نویسد: از طبقه او کسی در ورع و عبادت همانند او نبوده است و آن گونه که علمای شیعه نقل کرده اند، سی کتاب تألیف نموده است.

۱۲۱- شیخ در فهرست درباره صفوان بن یحیی چه می نویسد؟

شیخ در فهرست می نویسد: «صفوان بن یحیی موثق ترین فرد میان اهل حدیث در زمان خود و عابدترین آنها بوده است و در شبانه روز یکصد و پنجاه رکعت نماز به جا می آورد. در هر سال، سه ماه روزه می گرفت و در هر سال، سه بار زکات مالش را میداد.»

۱۲۲- صاحب معجم الرجال الحدیث، مشایخ صفوان بن یحیی را در کتب اربعه به چند نفر رسانده است؟

صاحب «معجم رجال الحدیث» مشایخ صفوان بن یحیی در کتب اربعه به ۱۴۰ نفر رسانیده است.

۱۲۳- مؤلف مشایخ الثقات، مشایخ صفوان بن یحیی را در کتب اربعه و دیگر کتب به چند نفر رسانده است؟

مؤلف «مشایخ الثقات» مشایخ صفوان بن یحیی را در کتب اربعه و دیگر کتابها به ۲۱۳ نفر رسانیده است که ۱۰۹ نفر از آن ها ثقه، و بقیه مهمل یا مجهول و نیز عده کمی از آنها ضعیف هستند.

۱۲۴- پنج تن از مشایخ صفوان بن یحیی را نام ببرید؟

۱- یونس بن ظبیان؛ ۲- علی بن ابی حمزه بطائنی؛ ۳- ابو جمیله مفضل بن صالح اسدی؛

۴- عبدالله بن خدش منقری؛ ۵- معلی بن خنیس.

۱۲۵- منظور از ابو جمیله در این روایت «کلینی از عده ای از اصحاب از احمد بن ابی عبدالله از صفوان بن یحیی از ابی

جمیله از حمید صیرفی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: هر ساختمانی که بیش از نیاز باشد،

در روز قیامت بار گرانی بر صاحبش خواهد بود» کیست؟

منظور از ابو جمیله همان مفضل بن صالح اسدی است که شیخ او را در رجال خود از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده و گفته است: «مفضل بن صالح ابوعلی برده آزاد شده بنی اسد، کنیه او ابو جمیله است و در زمان امام رضا علیه السلام فوت نموده است.»

۱۲۶- نجاشی در بحث جابر بن یزید جعفی درباره مفضل بن صالح اسدی چه می نویسد؟

نجاشی در بحث جابر بن یزید جعفی، او را تضعیف نموده و می نویسد: از او، افراد دارای نقص و ضعف، روایت نقل کرده اند که از جمله آنها: عمرو بن شمر و مفضل بن صالح و منخل بن جمیل و یوسف بن یعقوب است.

۱۲۷- علامه در خلاصه خود درباره مفضل بن صالح اسدی چه می نویسد؟

علامه در خلاصه می نویسد: «مفضل بن صالح ابو جمیله اسدی مسگر برده آزاد شده بنی اسدی، ضعیف و بسیار دروغگو بود و حدیث جعل می کرد. وی از امام صادق علیه السلام و از امام موسی کاظم علیه السلام روایت نقل کرده است.»

۱۲۸- نظر نویسنده کلیات علم الرجال درباره مفضل بن صالح اسدی چیست؟

صفوان روایت دیگری در کتب اربعه به غیر از یک روایت از مفضل بن صالح اسدی نقل نکرده است، ولی در عین حال ضعف او ثابت نشده است. و کلامی که علامه ذکر کرده، از ابن غضائری گرفته است و عبارت خود او این چنین است: «مفضل بن صالح ابو جمیله اسدی مسگر بنده آزاد شده بنی اسد، ضعیف و دروغگو است و حدیث جعل می کرد.»

۱۲۹- نجاشی درباره عبدالله بن خدش منقری چه می نویسد؟

نجاشی می نویسد: «عبدالله بن خدش، ابو خدش مهری جداً ضعیف و از اهل غلو است. وی دارای کتاب بوده و آن را ابن ساذان از احمد بن محمد بن یحیی از پدرش از سلمه بن خطاب از عبدالله بن خدش روایت کرده است.»

(سؤال امتحانی در خرداد ۸۹ و ۹۰)

۱۳۰ - با توجه به عبارت « قال النجاشی : عبد الله بن خدّاش ، ابو خدّاش المهری ضعیف جداً و فی مذهبه ارتفاع له کتاب » ، به نظر مصنف ، ربط ، « و فی مذهبه ارتفاع » به قبل چیست ؟ آیا تضعیف مذکور قابل استناد است ؟

به نظر مصنف ، ربط ، « و فی مذهبه ارتفاع » به قبل ، علت برای تضعیف است و تضعیف شخص اگر به خاطر عقیده باشد ، روایت او ضعیف محسوب نمی شود .

۱۳۱ - نظر مؤلف کتاب کلیات علم الرجال درباره عبدالله بن خدّاش منقری چیست ؟

اگر چه نجاشی او را تضعیف کرده است ، اما تضعیف او به قرینه این عبارت « اهل غلو بوده است » حاکی از آن است که ضعف وی به خاطر غلو او است ، نه به خاطر اینکه او راستگو بوده است . و ظاهراً نجاشی در تضعیف راوی ، در برخی موارد از این غضائری متأثر بوده است ، یعنی صرفاً به این خاطر که راوی حدیث ، روایتی نقل کرده است که از آن (به گمان نجاشی و ابن غضائری) غلو دیده می شده مورد تضعیف قرار می گرفته است . و مثل این گونه تضعیف ها قابل اعتماد و اعتبار نیست .

۱۳۲ - نظر کشی درباره عبدالله بن خدّاش منقری چیست ؟

کشی وثاقت عبدالله بن خدّاش منقری را از عبدالله بن ابی عبدالله ، محمد بن خالد طایلسی نقل کرده است ، بنابراین توثیق او قابل اعتناء است . کشی در این باره می نویسد : « محمد بن مسعود نقل کرد که ابو محمد عبدالله بن محمد بن خالد گفته است : ابو خدّاش ، عبدالله بن خدّاش مهری نقه است . »

۱۳۳ - اختلافی که در ضبط نام پدر عبدالله بن خدّاش منقری وجود دارد بیان کنید ؟

در ضبط اسم پدر عبدالله بن خدّاش منقری اختلاف نظر وجود دارد . مشهور آن را با حرف دال ضبط کرده اند ، همان گونه که در مواردی از رجال شیخ در ردیف اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام آمده است ، که شیخ او را به نام ابو خدّاش مهری بصری ضبط کرده است . اما ابن داود می گوید : کتاب رجالی را از شیخ (و به خط شیخ) دیده است که عبدالله بن خدّاش بصری را در ردیف رجال امام صادق علیه السلام ذکر کرده است . از این رو به حسب ظاهر ، لفظ منقری اشتباهاً به جای مهری نوشته شده است و لذا مرحوم فیض در حاشیه وافی نوشته است : صحیح مهر - به فتح میم هاء ساکنه است - به جای منقری .

۱۳۴ - بنا بر نقل فهرست شیخ در شرح حال معلی ، گاهی صفوان از معلی بن خنیس روایت نقل کرده است ، جواب این نقض را بیان کنید ؟

بنا بر نقل فهرست شیخ در شرح حال معلی ، گاهی صفوان از او روایت نقل کرده است . او می نویسد : « معلی بن خنیس ، با کنیه ابا عثمان احوال دارای کتابی است که جمعی از راویان از ابو جعفر بن بابویه از ابن ولید از صفار از احمد بن محمد از پدرش از صفوان آن را برای ما نقل کرده است . »
جواب این نقض روشن است ، زیرا :

اولاً : معلی بن خنیس نقه است و شبهاتی که درباره او القاء شده است ، صحیح نیست ، و سخن شیخ در « النیبه » ما را بس است که گفته است : معلی از مسؤولین اداره امام صادق علیه السلام بوده است و روی همین جهت داود بن علی او را کشت . وی مورد قبول امام بوده و به روش امام مشی می کرد و وضعیت او مشهور و روشن است .

ثانیاً : معلی قبل از سال ۱۳۳ کشته شده است . در حالی که صفوان بن یحیی در سال ۲۱۰ فوت نموده است . در این صورت با آنکه بین وفات آن دو بیش از هفتاد و هفت سال فاصله است و صفوان هم از کسانی نبوده که عمر طولانی داشته باشد ، چگونه می شود که از او نقل حدیث نماید؟ به همین دلیل به احتمال زیاد ، واسطه بین صفوان و معلی بن خنیس حذف شده است .

۱۳۵- طبق نظر شیخ در فهرست آیا منظور از معلی که صفوان از او روایت نقل کرده است معلی بن خنیس است یا خیر ،

چرا؟

نوشتار شیخ در فهرست در واقع در شرح حال معلی بن عثمان (یا ابن زید) احوال بوده است و نه معلی بن خنیس ، ولی نسخه در اینجا تحریف شده است ؛ چرا که بعید است صفوان بتواند از معلی بن خنیس روایت نقل کند و نیز همانگونه که نجاشی و شیخ در رجال خود ذکر کرده اند ، « ابوعثمان » کنیه معلی بن عثمان (یا ابن زید) است .

۱۳۶- طبق نوشته نجاشی احمد بن محمد بن عمرو بن ابی نصر که بود . کتابهای او را نام ببرید ؟

نجاشی می نویسد : « احمد بن محمد بن عمرو بن ابی نصر زید ، آزاد شده قبیله سکون ، ابو جعفر معروف به بزنتی ، اهل کوفه است و با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام ملاقات نموده است و نزد آن دو بزرگوار منزلت عظیمی داشت . او دارای کتابهایی است که از آن جمله است : « الجامع » که ما آن را نزد ابی عبدالله حسین بن عبیدالله قرائت نمودیم . و نیز از جمله کتابهای بزنتی ، کتاب نوادر است . »

۱۳۷- نام بزنتی در سند چند روایت از کتب اربعه آمده است ؟

بزنتی یکی از سه فقیهی است که شیخ ادعا کرده است که جز از تقه روایت و ارسال نمی کنند . و نام وی حدوداً در سند ۷۸ روایت از کتب اربعه آمده است .

۱۳۸- مشایخ بزنتی در کتب اربعه و غیر آن چند نفر است ؟

نویسنده « معجم رجال الحدیث » مشایخ بزنتی را در کتب اربعه و غیر آن ، ۱۱۵ نفر ذکر کرده است که ۵۳ نفر از آنها تقه ، و بقیه مهمل و یا مجهول هستند .

۱۳۹- چند نفر از مشایخ بزنتی را که تضعیف شده اند نام ببرید ؟

۱- مفضل بن صالح ؛ ۲- حسن بن ابی حمزه ؛ ۳- عبد الله بن محمد الشامی ؛ ۴- عبد الرحمن بن سالم .

۱۴۰- با توجه به عبارت « روایة محمد بن ابی نصر البزنطی عن الحسن بن علی بن ابی حمزه لا تعد نقصاً للقاعدة لأن علی بن ابی حمزه و تجله الحسن ابتلیا بالثتم و الطعن اللعن لذهابهم إلى الوقف ولکنه يرجع إلى اعتقادهم الفاسد و لا ینافی وثاقهم الروائیة و لأن هناك روایات تدل علی رجوع الوالد و الولد عن الوقف صیورتهما مستبصرین » ، دو دلیل مدعای مذکور را شرح دهید .

اولاً : علی بن ابی حمزه و فرزندش حسن و نیز راوی معاصر آنها زیاد بن مروان قندی به دلیل واقفی بودن دچار طعن و عیب و بدگویی بوده اند . اما این امر مربوط به عقیده آنها بوده و با وثاقت آنها در نقل روایت منافات ندارد .

ثانیاً : روایاتی نیز وجود دارد که پدر و پسر از عقیده وقف برگشته و مستبصر شده اند .

۱۴۱- شیخ از محمد بن احمد بن یحیی از احمد بن محمد بن ابی نصر از حسن بن علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت می کند که به امام عرض کردم که پدرم از دنیا رفته و دو کنیز به جا گذاشته است... در این عبارت منظور از علی بن ابی حمزه کیست ، نقد کنید ؟

جواب این سؤال در جواب سؤال قبل توضیح داده شده است .

۱۴۲- نظر نویسنده درباره عبدالله بن محمد شامی چیست ؟ دلیل آن را بیان کنید ؟

عبدالله بن محمد شامی که محمد بن احمد بن یحیی صاحب « نوادر الحکمه » از او روایت نقل می کند ، غیر از آن عبدالله بن محمد شامی است که بزنتی از آن روایت نقل می کند ، زیرا اولی شیخ و استاد صاحب نوادر و شاگرد احمد بن محمد بن عیسی است .

اما عبدالله بن محمد شامی که احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی از او روایات نقل نموده است ، به دو واسطه - یعنی :

احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی - از همنام خود جلوتر بوده است . و دلیل این سخن آن

است که ابن عیسی در موارد بسیار از بزنتی نقل روایت نقل می کند و بزنتی هم از عبدالله بن محمد شامی روایت نقل می کند، از این رو ممکن نیست آن دو نفر یکی باشند.

۱۴۳- روایتی بیان کنید که عبدالله بن محمد شامی دو نفر بوده اند و طبقه آنها نیز دو ناست؟

برای روشن شدن این امر که عبدالله بن محمد شامی دو نفر بوده اند و طبقه آنها نیز دو ناست، به روایاتی که صدوق در عیون اخبار الرضا باب نص بر امامت امام رضا علیه السلام نقل کرده است ملاحظه نمایید.

مرحوم صدوق چنین نقل کرده است: پدرم و محمد بن حسن بن احمد بن ولید و احمد بن محمد بن یحیی عطار و محمد بن علی ماجیلویه - رضی الله عنهم - فرمودند: که محمد بن یحیی عطار از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری (مؤلف نوادر الحکمه) از عبدالله بن محمد شامی از حسن بن موسی خشاب از علی بن اسباط از حسین مؤلی ابی عبدالله روایت نموده است ...

عبدالله بن محمد شامی از علی بن اسباط با واسطه نقل روایت می کند. علی بن اسباط با علی بن مهزیار معاصر بود و بین آن دو نامه هایی رد و بدل شده است و علی بن مهزیار بعد از بزنتی بوده است و در یک طبقه نبوده اند، حال چگونه ممکن است که شامی که شیخ صاحب نوادر الحکمه است، شیخ بزنتی هم باشد؟ از این رو باید گفت که آنها دو نفر هستند.

۱۴۴- عبدالله بن محمد شامی در سند چند روایت آمده است؟

عنوان « عبدالرحمن بن سالم » در سند ۲۳ روایت آمده است.

۱۴۵- به چه دلیلی تقض هایی که از طرف نویسنده محقق « معجم رجال الحدیث » و فاضل معاصر نویسنده « مشایخ

الثقات » ایراد شده است وارد نیست؟

۱- بسیاری از این افراد ضعیف جزء مشایخ آن ثقات نیستند، بلکه هم ردیف آنها هستند. و عامل رخداد چنین اشتباه آن است که گمان شده است این سه بزرگوار از آنان روایت نقل کرده اند، لذا به جای حرف عاطفه « واو » از حرف جازه « عن » استفاده کرده اند؛ از این رو هم ردیف شخص را، استاد و شیخ او تصور نموده اند.

۲- عده بسیاری که متهم به ضعف هستند، از جهت مذهب و عقیده مورد ضعف قرار گرفتند، نه از حیث روایت. و این امر با وثاقت و راستگویی آنان در نقل روایت و حدیث منافات ندارد. و منظور شیخ از ثقه، وثوق در نقل روایت است و نه در مذهب. به عبارت دیگر: آنها ملتزم بوده اند که از ثقه خواه امامی و یا غیر امامی، روایت نقل کنند.

۳- عامل دیگر برخی از این نقضها، اشتراک راویان در اسم است که بین ضعیف و غیر ضعیف مشترک هستند، مثل عبدالله بن محمد شامی که اسم دو نفر است، که یکی ثقه و دیگری ضعیف است، و همین امر سبب اشتباه شده است.

۴- بعضی از کسانی که متهم به ضعف هستند: اولاً ضعف آنها ثابت نشده است، و ثانیاً تضعیف آنان با تعدیل دیگران تعارض دارد.

(سؤال امتحانی در مرداد ۹۴)

۱۴۶- با توجه به عبارت « ان الشهادة الإجمالية في هذه المقامات تنحل إلى شهادات حسب عدد الرواة فالتعارض أو ثبوت الخلاف في موارد خاصة بوجوب عدم الأخذ بها في الموارد التي ثبت خلافها دون ما لم يثبت وفيه أن هذا الجواب إنما يتم لو كانت الشهادة منتهية إلى نفس هؤلاء الثلاثة أما إذا كانت الشهادة مستندة إلى نفس الشيخ فعندئذ يكون الوقوف على مشايخ لهم مضعفين بنفس الشيخ موجباً لسقوط هذه الشهادة عن الاعتبار »، مقصود از « شهادت اجمالی » و « انحلال آن » چیست؟ توضیح دهید.

مقصود از شهادت اجمالی، شهادت یک یا چند نفر است که خلاف آن ثابت نشده و با نص دیگری تعارض پیدا نکرده باشد. انحلال شهادت اجمالی در واقع به شهادتهای متعدد به تعداد راویان حدیث می باشد.

۱۴۷- شهادت اجمالی در بعضی از موارد، در واقع به شهادتهای متعدد به تعداد راویان حدیث منحل می شود از این رو وجود تعارض و یا ثبوت خلاف یک مورد خاص موجب می شود تا در آن مورد خاص به آن شهادت عمل نکنیم، و مانع از عمل به شهادت، در مواردی که خلاف آن ثابت نشده است، نخواهد بود، « اشکالهایی که به این راه حل وارد شده بیان کنید؟

دو اشکال به این راه حل وارد شده است:

اشکال اول: این جواب در صورتی درست است که شهادت دهندگان، خود این سه شخصیت باشند. یعنی خود آنها شهادت داشته باشند که جز از ثقه روایت و یا ارسال نکرده اند. در این صورت، هنگام وجود تعارض یا ثبوت خلاف، به شهادت آنان اخذ می شود. اما اگر شهادت مذکور فقط توسط شیخ ارایه شود، یعنی فقط او شهادت داشته باشد که این بزرگان جز از ثقه روایت و یا ارسال نمی کنند، در این صورت اگر خود شیخ برخی از مشایخ آن ها را تضعیف کند، این امر موجب سقوط شهادت او از درجه اعتبار است و دیگر اطمینانی به آن نخواهد بود.

اشکال دوم: چنین تلاشی (در اثبات قاعده مذکور) فقط در روایات سند دار مفید و ثمر بخش است. و راویان چنین روایاتی به جز در مواردی که ضعف آنان به خصوص ثابت شود، توثیق می شود. اما در رابطه با مراسیل آنان فایده ای ندارد. چرا که این احتمال در واسطه های محذوف وجود دارد که آنها از کسانی باشند که ضعف آنها به اثبات رسیده است و لذا تمسک به این قاعده در اثبات وثاقت واسطه های حذف شده در مراسیل آنان، در واقع تمسک به عام در شبهه مصداقیه است.

۱۴۸- تفاوت شهادتهای ابن سه بزرگوار (محمد بن ابی عمر و صفوان بن یحیی

سؤال امتحانی در مواد ۹۲)

و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی) با شهادت شیخ چیست؟ (تفاوت فنی)

اگر شهادت به ابن سه بزرگوار (ابن ابی عمیر و صفوان و بزنتی) منتهی شود؛ معنایش این است که آنها شهادت داده اند که جز از افراد ثقه که وثاقت آنان بر ایشان روشن بوده است، نقل حدیث یا ارسال نمی کنند، لذا چنانکه خلافت هم ثابت شود و یا با نص دیگری تعارض کند به این صورت حل می شود که در این مورد اشتباهی بر آنان پیش آمده است، یعنی غیر ثقه را ثقه پنداشته اند و لذا از او روایت کرده اند، و در نتیجه چنین اتفاقی در اخذ به سایر روایات آنان ضرر نمی رساند، و نظیر چنین چیزها در میان شهادت ها اندک نیست.

اما اگر شهادت دهنده خود شیخ باشد، یعنی شیخ شهادت داده باشد که این سه نفر جز از ثقه روایت و یا ارسال نکرده اند، این شهادت مبتنی بر استقراء و تحقیق شیخ در مشایخ آنهاست. در این صورت چنانکه در موردی، خلاف شهادت شیخ ثابت شود، شهادت او قابل اعتماد نخواهد بود؛ زیرا که با وجود آن، ناقص بودن استقراء و تحقیق شیخ ثابت می شود.

۱۴۹- جواب شهید صدر به اشکال دومی که در جواب از نقض ها بیان شده است، چیست؟

شهید صدر بر اساس حساب احتمالات از این اشکال پاسخ داده است و خلاصه کلام ایشان به این صورت است: اگر فرض کنیم که واسطه ای که در روایت مرسله منقول از ابن ابی عمیر محذوف و مجهول است، بین تمام مشایخ ابن ابی عمیر مردّد باشد، و نیز مجموعه کسانی را که ابن ابی عمیر از آنها روایت نقل کرده است، چهار صد نفر باشند، و از طرفی هم افرادی که ضعف آنها به موجب شهادت دیگران ثابت شده است پنج نفر و یا قریب به آن باشند، در این صورت احتمال این که آن راوی واسطه که حذف شده است یکی از آن پنج نفر باشد که تضعیف شده است، بر اساس حساب احتمالات، یک هشتم خواهد بود و اگر فرض شود آنهايي که ضعفشان در میان چهار صد نفر به اثبات رسیده است، ده نفرند احتمال راوی ضعیف نسبت به راوی مورد وثوق، یک چهارم است و چنین احتمالاتی به اطمینان شخص ضروری نمی رساند. زیرا عقلاء چنین تعهدی ندارند که فقط به مواردی عمل کنند که صد در صد به آن اطمینان دارند.

۱۵۰- اشکالی که مرحوم شهید صدر بر جواب خود به اشکالی دومی که در جواب از نقض ها بیان شده است، چیست؟
 مرحوم شهید صدر اشکالی بر خویش وارد نموده است که خلاصه آن، این چنین است: جوابی که بر اساس حساب احتمالات داده شد، در صورتی درست است که ارزش چهار صد احتمال در مورد راوی واسطه ای که مجهول است، یکسان باشند. در این صورت می توانیم بگوییم: احتمال این که راوی واسطه محذوف، یکی از پنج راوی ضعیف شناخته شده باشد، نسبت به چهار صد راوی مورد وثوق، یک هشتم است، و اگر راویان ضعیف ده تن باشند، احتمال مذکور یک هشتم خواهد بود، اما اگر احتمالات با یکدیگر مساوی نباشند به این معنا که قرینه ای احتمالی در بین باشد که بودن واسطه محذوف از پنج نفر از راوی ضعیف شناخته شده را تقویت کند، حساب گذشته به هم می ریزد. اتفاقاً این قرینه احتمالی در این جا وجود دارد. و آن عبارت است از این که: این ابی عمیر روایات را با تعبیر «عَنْ زُجَلٍ» یا «عَنْ بَعْضِ الْأَصْحَابِ» و تعبیرهای دیگر از این قبیل که بیانگر عدم اطمینان و اعتناء به راوی مذکور است، نقل می کند. از این جا احتمال این که راوی محذوف یکی از پنج نفر راوی ضعیف شناخته شده باشد، قوت می گیرد.

۱۵۱- جوابی که شهید صدر به اشکال دومی که از نقض ها بیان کرده است نمی تواند درست باشد چرا؟

زیرا عقلاء در کارهای مهم بیشتر از این مقدار احتیاط می کنند و به خبری که احتمال کذب آن یک هشتم باشد، عمل نمی کنند. به عنوان مثال: اگر عقلاء بدانند که بمبی به یکی از هشتم ساختمان اصابت خواهد کرد، در هیچ یک از آنها سکونت نمی کنند و همه آنها را ترک می نمایند. همچنین اگر اطلاع پیدا کنند که سیل، یکی از هشتم ماشین موجود را نابود می کند، بر هیچ کدام از آن ها سوار نمی شوند.

۱۵۲- راویانی که به حسب مشهور جز از تقه روایت نمی کنند چه کسانی هستند؟

ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر.

۱۵۳- راویانی که به حسب شهرت تنها از تقه روایت می کنند چه کسانی هستند؟

۱- احمد بن محمد بن عیسی قمی؛ ۲- فرزندان فضال؛ ۳- جعفر بن بشیر؛

۴- محمد بن اسماعیل بن میمون زعفرانی؛ ۵- علی بن حسن طاطری؛ ۶- احمد بن علی نجاشی صاحب قهرس

۱۵۴- لما كانت مراسیل ابن ابی عمیر كثيرة مبسوطة فی أبواب الفقه يحصل

(سؤال امتحانی در خرداد ۹۲)

للإنسان العلم الإجمالي بوجود الضعيف في مراسيله ولكن ...

أ. أثبتنا في الأصول عدم العبرة بالعلم الإجمالي مطلقاً

ب. ولكن لا يعلم المخالفة القطعية وإن عملنا بجمع المراسيل

ج. لا اعتبار بهذا العلم لكون الأطراف غير محصورة

د. يتحل هذا العلم بالاطمئنان بأن المحذوف من الثقات

۱۵۵- احمد بن محمد بن عیسی قمی کیست و درباره او چه

صفتی از تقه روایت نقل می کنند

(سؤال امتحانی در شهریور ۸۶ و خرداد ۹۱)

اعتقادی شهرت دارد؟ به چه دلیل؟

احمد بن محمد بن عیسی راوی تقه و جلیل القدری است و نجاشی و شیخ وی، او را توثیق نموده اند. و از عالمان و محدثان شیعه در قم بود، چنین شهرت یافته که او از هیچ فرد ضعیفی روایت نقل نکرده، لذا نقل روایت او دلیل بر وثاقت مروی عنه می باشد.

دلیل این شهرت، برخورد تند احمد بن محمد بن عیسی قمی با کسانی بوده که از راویان ضعیف، نقل حدیث می کردند. مثلاً احمد بن محمد بن خالد برقی را به خاطر نقل از راویان ضعیف، از قم اخراج کرد.